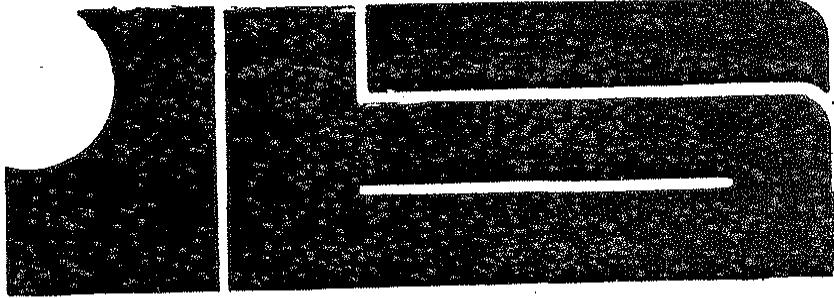


هموطنان مبارز!
از مبارزات برحق دانشجویان
برای بازگشایی دانشگاهها
حمایت کنید



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۹۳

پنجشنبه ۲۵ دیماه ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

“لایحه قانونی قصاص”

قانونی بغایت ارتجاعی و توطئه‌ای علیه ابتدائی ترین حقوق توده‌ها

خدا ریم. قوانین نازدهای تدوین شده که با بیدر مجلس تعویب شود و پیرروز بخشی از آنها که یا بدنه مجلس فرستاده شود در اختیار روزیردا دکمتری گذارده شد. (جمهوری اسلامی ۲۲ آبانماه تا کیدازماست) ۱۱ صفحه در صفحه ۱۱

آقای بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در ۲۱ آبانماه ۹۰ در معامعه مطبوعاتی با خبرنگاران مطبوعات در رابطه با تدوین قوانین جدید چنین گفت: “میدانید هنوز در نظام قضائیمان همه آنچه را که لازم داریم، در اختیار

مبارزه برای بازگشایی
دانشگاهها را
گسترده تر کنیم

در حالیکه پس از دو سال از ۲۳ دیماه ۵۷، روزی بازگشایی دانشگاهها در دوران رژیم سرنگون شده شاه میگردد، باردیگر دانشجویان و استادان انقلابی و آگاه برای بازگشایی دانشگاهها و تحقق حقوق دمکراتیک خویش مبارزات خود را گسترش میدهند.

همه مردم کشتار دانشجویان انقلابی را در اردیبهشتماه سال جاری توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و چماق بدستان اوپاش بیاد دارند، در این ماه هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی، سازمانهای دانشجویی و فعالیتهای آنها هکرا نه دانشجویان انقلابی را برای خویش عبرت قابل تحمل یا ست، تحتبانه “انقلاب ترهنگی” و با یک طرح از پیش تعیین شده توسط حزب جمهوری اسلامی، دست به آنحنان سرکوب خونین و وسیع در سراسر دانشگاهها زد که طی آن چند تن از دانشجویان مبارز شهید و دهها تن از آنان مجروح شدند.

این اقدام عدلخلفی که نقطه عطفی در سرکوب مبارزات دانشجویی توسط هیئت حاکمه محسوب میگردد با وقوع تمام نشان داد که حکومت جمهوری اسلامی نه تنها از فعالیت سیاسی دانشجویان که همواره نقش بسیار موثری در تاراج مبارزات دمکراتیک نهاد امپریالیستی توده‌ها داشته است در هراس میا شد بلکه حتی در برابر مبارزات صنفی دانشجویان نیز سلاح سرکوب و ترور منوسل میشود. بدیهی است که این سیاست حزبی از سیاست کلی حاکمیت در رابطه با مطالبات رفقا ۲ صفحه در صفحه ۲

از نظر

آیت الله خمینی غاصب کیست؟

آیت الله خمینی روز پنجشنبه ۱۸ دیماه در دیدار با عده‌ای از دانشجویان تربیت معلم سخنانی ایراد کرد و در پایان سخنان خود گفت “من اعلام میکنم که هر کس به من نسبت بدهد مطلقاً راکه بر خلاف دستورات اسلامی است دروغ گفته است و هر کس که بمن نسبت بدهد که من را می‌هستم به اینک یک وجب از زمین مردم غصب بشود برخلاف موازین اسلامی اخذ بشود و یا یک شاهی از مردم گرفته بشود و معارضه شود و موازین اسلامی نداشته باشد و یا شد و یا معارضه شود برخلاف اسلامی و یا

“بنیاد خدمات مالی”

به مثابه نهادی در خدمت حزب جمهوری اسلامی و جایگزین بانک اسلامی

صفحه ۸

مهافل امپریالیستی
با شایعه پراکنشی و دروغ
پردازی علیه جنبش مقاومت
خلق کرده توطئه می‌کنند

صفحه ۱۶

دهها هزار نفر از مراسم
۲۳ دی استقبال کردند

در صفحه ۱۵

در این شماره:

● اخبار کارگری

● مردم چه میکنند.
مردم چه میخواهند؟

● برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج و تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق را برپا داریم

رفقا
هواداران با کمکهای مالی
خود سازمان را در پیشبرد
امر انقلاب یاری رسانید!

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و
پایگاه د اخلیش

مبارزه برای بازگشائی...

بقیه از صفحه ۱۱

دمکراتیک توده‌هاست. در واقع هر رژیمی که با هرگونه آزادی سیاسی و حقوق دمکراتیک اجتماعی توده‌ها درستیز بوده، هر صدای آزادیخواهان و هر جنبش واقعا انقلابی توده‌ای را با خدعه و فریب مها ر کرده و یا با تهاجم نیروهای مسلح خویش پاسخ داده باشد، چنین رژیمی نمیتواند بر ا حتی شامهد فعالیت‌های آزاد دمکراتیک سازمانهای مربوط به دانشجویان و استادان انقلابی نیز باشد.

حزب جمهوری اسلامی که مدتهاست از ملحق کردن اکثریت دانشجویان به خود و یا حتی حفظ همان پایگاه‌هایی که در ابتدا در میان دانشجویان داشته نامیدگشته است اکنون تمام تلاش خود و قوت تبلیغاتی ارگانهای رژیم را بخدمت گرفته است تا با وارونه جلوه دادن اقدامات دانشجویان و استادان توده‌ها را فریب داده و با منتسب ساختن مبارزات دانشجویان به امپریالیسم و یا حکومت عراق، زمینه‌های سرکوب و خاک و خون کشیدن دانشجویان را فراهم آورد.

هم اکنون اکثر مطبوعات دولتی که طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند یک بار دیگر موج تبلیغاتی بیشرمانه‌ای را در مورد دانشجویان مبارز و بی‌سوز و دانشجویان کمونیست بر راه انداخته‌اند در اکثر این تبلیغات، مثل همیشه کوششهای مذبح‌خانه‌ای میشود تا نشان داده شود که گویا مبارزه دانشجویان و استادان انقلابی قسمتی از طرح ویرانه‌ها یا اصطلاح "بر قدرت"ها بوده و بدستور آنان صورت میگیرد!

اما اینگونه تبلیغات که مشابهت‌های فراوانی با تبلیغات رژیم منور شاه در مورد مبارزات دانشجویی دارد برای انبوه وسیعی از توده‌های مردم، شناخته شده و مضحک است. آنها در تجربه دو ساله اخیر و در عرصه‌های مختلف مبارزه و زندگی

روزمره خویش، شاهد تبلیغات دروغین و وقیحانه حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند در نتیجه چنین تبلیغاتی تنها ما به رسوائی و افشای بیش از پیش ماهیت واقعی حزب جمهوری اسلامی خواهیم شد. از سوی دیگر لیبرالها که تا دیروز از گسترش و سرکوب همه جانبه دانشجویان حمایت کرده و خود با ندهای سیاه حزب جمهوری را برای سرکوب فرامیخواستند، اینک که قدرت مسلط حزب جمهوری اسلامی را در برابر خود می بینند بمنظور فریب و جلب حمایت دانشجویان خواهان بازگشائی دانشگاهها هستند؛ آنها که دانشگاه را برای تربیت متخصص و متخصصین را برای خدمت به سرمایه داران و دوشیدن کارگران و زخمی کردن میخواستند با آه و ناله سخن از نابود شدن سرمایه گذاری دولت در دانشگاهها سرداده‌اند.

استدلال آنها در برابر حزب جمهوری اسلامی این است که دولت مخارج و سرمایه‌های کلانی را برای ایجاد دوباره انداختن دانشگاههای کشور صرف کرده و بستن دانشگاهها برای مدت نامعلوم نه تنها به تولید جامعه و بیابریان دیگر به سودهای ناشی از استثمار کارگران لطمه میزند، بلکه بالاتر و مهم تر از آن، پایه‌های اجتماعی نیروهای انقلابی و مترقی را گسترش داده و برای آبنسده حاکمیت سرمایه داران را دچار مخاطرات جدی خواهد کرد.

در شرایط کنونی لیبرالها دانشجویان را تشویق به ایستادگی در مقابل جفاک بدستان حزب الهی میکنند، اما تنها بشرطی که این مبارزات با شعار "بنی صدر حمایت میکنیم" صورت گیرد. برای لیبرالها، باز شدن دانشگاهها بمعنی ادامه فعالیت دستگاہی است که بطور مداوم کالائی بنام "متخصص" را تولید و باز تولید میکند. در دانشگاهها دانشجویان مجازند که از عقاید سیاسی خود سخن بگویند اما این آزادی سیاسی و استقلال عقاید چنانچه از محدوده‌های معین فراتر رفته و به نیروی مادی و محرکی در گسترش مبارزات کارگران و زخمی کشان تبدیل گردد آنگاه از نظر لیبرالها "امنیت"

جامعه تهدید شده و در این صورت حتی از راه انداختن دریائی از خون دانشجویان انقلابی نیز تردیدی بخود راه نمیدهند. اینست که برای یک لیبرال حقوق فردی و اجتماعی دانشجویان و استادان کاملاً محترم است اما تنها تا جایی که هیچ خطری از جانب آنان نظام غارت و جپا و آگری توده‌ها یعنی نظام سرمایه داران ایران را مورد تهدید قرار ندهد باشد.

اکنون در شرایطی که لیبرالها کوشش‌های فراوانی میکنند تا نقش نیروهای دمکرات و ترقی خواه را بازی کرده و رهبری مبارزات دانشجویان را بدست خود بگیرند، چه وظیفه‌ای بر دوش ماست؟

اپورتونیست‌ها ما میگویند: "نگاه کنید، ببینید، صف نیروهای که از بازگشائی دانشگاهها دفاع میکنند از چه کسانی تشکیل شده است؟ در شرایطی که کمونیست‌ها دچار ضعف و پراکندگی هستند، عمدتاً چه کسانی از آزادی و

دمکراسی دفاع میکنند؟ دوستان و جا سوسان امپریالیسم، لیبرالها، بختیارها و اویسی‌ها! این است، صف مدافعین دمکراسی! آیا در بهترین حالت این یک خطای فاحش و همسوئی با امپریالیسم نیست که همصدا با لیبرالها شعار بزنیم: "گشائی دانشگاهها را بر زبان جاری کردید؟" این استدلال همان استدلال کهنه و شناخته شده‌ای است که بطور معمول اپورتونیست‌های راست و از جمله "کمیته مرکزی" و حزب توده در رابطه با هر مسأله مربوط به دمکراسی مطرح میکنند.

پاسخ ما چیست؟ به عقیده ما، این استدلال بدو دلیل مردود است. اگر خلاصه سخن بگوئیم اولاً این دلیل که با دست شستن از مبارزه برای دمکراسی و گیز عدم حمایت از جنبشهای دمکراتیک اقسا ر غیر پرولتر، به یکی از نیازهای اساسی و مطلقاً ضروری طبقه کارگر برای کسب آگاهی سوسیالیستی و متشکل ساختن خود پشت پا زده و عملاً طبقه کارگر را به دنیا لرویی از بورژوازی فرامیخواستند و تا آنکه علی‌رغم موضع به ظاهر ضد لیبرالی، با عدم شرکت در مبارزات دمکراتیک توده‌ای و حتی مقابله با آن، یعنی مقابله با یکی از خصوصیات اساسی و لاینفک از انقلاب ایران، میدان مبارزه برای دمکراسی را تقدیم لیبرالها کرده و جنبش دمکراتیک را دست و پا بسته در زیر پای لیبرالها قربانی میکنند! اپورتونیسم با دریش گرفتن این سیاست عملانه در جهت مقابله با لیبرالها بلکه در راستای تقویت آنان حرکت میکنند.

- سال ۵۷:
- سیل پر خروش خلق درهای بسته دانشگاه را گشود.
- دانشگاه به سنگر آگاهی بخش جنبش انقلابی خلق بدل گشت.
- توده‌ها دانشگاه را "سنگر آزادی" خواندند.

- امسال:
- دانشگاه روز اول اردیبهشت با نایب‌دینی صدر مورد هجوم پاسداران و اوباشان حزب جمهوری اسلامی قرار گرفت و درهایش بسته شد.
- دانشجویان انقلابی در زندان وزیر شکنجه‌اند.
- سران جمهوری اسلامی دانشگاه را "مرکز فساد" می‌خوانند.

سرکوبگرهای حزب جمهوری اسلامی و آزادیخواهی دروغین لیبرالها را افشاء کنیم و با ناکید بر "بازگشائی دانشگاهها..." ۲۳ دی راه نقطه عطفی در جنبش دانشجویی بدل سازیم.

— دانشجویان پیشگام —

توضیح و تصحیح

در "کار" شماره ۹۰ در مطلب جنگ کارگران و... شورا گفته شده "با تمام قوا مواظب بودند تا مبادا عناصر مترقی وارد بسیج گردند" منظور از این جمله در واقع نشان دادن جوا کم برای این ارگان است که علاوه بر ممانعت از ورود عناصر منفرد که مخالف حرکت‌های قشری حاکم بر بسیج بودند حتی از ورود جریان‌هایی که بدفاع مستقل توده‌ای اعتقاد نداشتند جلوگیری میکرد. درستون سوم و دوسم با آخرین از "به افشای تمام عوامل ضد شورایی و پراگندگی این موارد استفاده است: "اکنون زمان تهاجم شوراهاست. تهاجم هر چه بیشتر در جهت نظارت و دخالت در تمام مسائل جاری... در "کار" شماره ۸۹ در شرحی که درباره رفیق شهید هادی شکانی نوشته شده بود نام فامیل رفیق اشتباه چاپ شده بود، ضمناً باید تذکر بدیم که پدر این رفیق شهید پیشماز مسجد سنی‌های آبادان است.



حیله کهنه سرمایه داری در شوکومارس

مدیریت برای آنکه حق اضافه کاری را نپردازد این حیله را بکار میبرد که از طرفی به سرپرستان پاداش اضافی میدهد تا آنها شدت کار را بالا ببرند و تولید را در ساعات معمولی کار بقدری افزایش دهند که احتیاجی به اضافه کاری کارگران در روزهای پنجشنبه نباشد، و از طرف دیگر سرپرستان سمپاشی می کنند که این کارگران جدید باعث شده اند که کارگران قدیمی اضافه کاری نکنند! در حقیقت، این حیله قدیمی سرمایه داران را مدیریت و سرپرستان شوکومارس برای ایجاد تفرقه در بین کارگران بدکار گرفته اند تا هم تولید دلخواه رسیده باشد و هم کارگران قدیمی و جدید مقابل یکدیگر قرار بگیرند.

در کارخانه چوکا

رئیس پاسداران کارخانه چوکا بنام "حمیدی" که اهل اردبیل است دودستگاه اتومبیل لندرور کارخانه چوکا را بسرقت برده و در اردبیل فروخته است. پس از مدتی، بعزت فشار کارگران، مدیریت کارخانه مجبور شد تا مبرده را اخراج کند. این شخص اکنون رئیس پاسداران اردبیل شده است!!!

نوطه جدید علیه صیادان انرژی

فرماندار سابق و مدیرعامل شیلات که همه او را بعنوان عنصری خود فروخته می شناسند اخیرا بلافاصله پیس از تصاحب مقام جدید، صیدباند ثابت را غیرقانونی اعلام کرده و اظهار داشته است که هدفش از میان بردن صید آزاد است. این شخص تصمیم دارد پول جمع شده از ثبت نام صیادان را (که برای شناسایی آنان بعنوان صیادان شده است) از حساب آنان خارج کرده و به جیب دولت بریزد و تاکنون هم نزدیک به ۳۰۰۰۰۰ تومان از این پول را برداشت کرده است!! صیادان آزاد که با مبارزه

قهرمانان نه و خونینشان حق صید آزاد را بدست آورده اند مصمم اند که قاطعانه در مقابل مدیرعامل جدید ایستادگی کرده و از حقوق حقه خویش دفاع کنند.

ماشین سازی اراک

در تاریخ ۱۱/۹/۵۹، کارگران سالن فلزخواستار اضافه حقوق می شوند. آنها طوماری را در رابطه با درخواست اضافه حقوق امضاء کرده و آنرا توسط نماینده شان به مدیریت عرضه می دارند. مدیریت پس از دیدن طومار اظهار می دارد که کارگران نباید بصورت فردی خواستار اضافه حقوق شوند، کارگران بعد از اینکه سخنان مدیر به گوششان می رسد، بصورت جمعی به اتاق مدیریت رفته و یکی از آنها می گوید: "مگر اینجارش است که شما از حرکت جمعی وحشت دارید؟ شما چرا از اتحاد چندکارگر می ترسید؟" اتحاد و استقامت کارگران بالاخره مدیریت را بزانودر آورده و او را وادار می کنند که مسئله را بررسی نماید.

کارخانه ایران والونو

در نیمه دوم آذرماه بدنبال زمزمه های اعتراضی در مورد عدم پرداخت موقع مساعده و همچنین مسئله سود ویژه، جلسه مشترکی با شرکت نمایندگان منتخب کارگران و مدیرعامل برگزار شد. در این جلسه همگی نمایندگان پیشینها مدیرعامل را در مورد اضافه کاری رد کردند. در مورد سود ویژه نیز کارفرما مجبور شد ضوابطی را در مورد پرداخت آن بپذیرد. مدیرعامل ضمن قول داد که مساعده را در تاریخ ۱۷ آذر پرداخت نماید. اما مجددا مساعده را به موقع پرداخت نکرد و این مسئله باعث اعتراض کارگران بویژه کارگران قسمت تراشکاری شد. آنان مطرح نمودند که اگر تا ۱۹ آذر مساعده پرداخت نشود، دست از کار خواهند کشید. مدیرعامل پس از دو روز تاخیر در تاریخ ۱۹ آذر مجبور شد مساعده را پرداخت نماید.

کارخانه پشمافی شهری

مدیر کارخانه قصد داشت با بهره گیری از شرایط زمان جنگ، به بهانه تقاضای زیاد پشم قیمت آنرا ۲۰٪ افزایش دهد. این عمل با مخالفت شورای کارخانه مواجه شد. شورای تلاش و پیگیری توانست این اضافه قیمت را حذف نماید. ضمنا شورا تصمیم گرفت که برای جلوگیری از گرانی پشم در بازار، قیمت حقیقی پشم را محاسبه کند و چنانچه قیمت قبلی هم زیاد باشد، آنرا کاهش داده و به قیمت عادلانه برساند. اکنون شوراها نظارت و دخالت خود را بر تمام امور جاری کارخانه هرچه بیستریا بدگسترش دهند.

اتحاد کارگران شیرپاک و عقب نشینی سرمایه داران

روز سه شنبه ۲۵/۹ مدیران کارخانجات شیرپاک - کارخانه فراست به فروشگاه کارخانه دستور می دهند که از فروش شیر کره و ماست که قبلا به قیمت تمام شده به کارگران فروخته میشد، به کارگران کارخانه خودداری کنند. کارگران از این عمل بشدت ناراحت شده و آنرا کامی دیگری از طرف سرمایه داران در محدود کردن حقوق خویش میدانند. آنها تصمیم به مقابله میگیرند.

روز بعد کارگران تولید را خوابانده و جلوفتر "خبیری" یکی از مدیران جمع شده و متحدان خواستار لغو دستور مدیران میگردند. خبیری در همان لحظات اول هنگامی که با صف متحد و خشم انقلابی کارگران روبرو میشود هوا را پس میبندد و بلافاصله دستور آزادی فروش را صادر میکند.

صنایع دفاع

صنایع دفاع در راه تحکیم بندهای وابستگی سرعت گام بر میدارد. اعزام دوتن از مدیران کارخانه ها (مهندسین ثقفی و کردستانی) به کشورهای امپریالیستی که در ماه گذشته صورت گرفته آمدن مستشاران آلمانی و تجدید قراردادها و اخیرا اعزام چند تن از کارکنان خرید و سفارشات شرکت پنهان به کشورهای امپریالیستی نمونه های قابل ذکرند این عده اخیرا برای خرید قطعات هلی کوپتر از دلالات های بین المللی که اجناس آمریکا طی راه چندین برابر قیمت

اتحاد کارگران باطری سازی در مقابل زورگویی مدیران

روز ۱۷/۹ در شعبه جلدسازی هنگامیکه کارگران چند لحظه ای جهت خالی کردن و تخلیه بار استراحت می کردند، سرمدی رئیس کارخانه وارد شعبه شده و به کارگران می توید که چرا بی کار ایستاده اند...؟ کارگران معترضان در مقابل او می ایستند. سرمدی میگوید "من مسئول نظم اینجا هستم و شما دارید نظم را بهم میزنید". کارگران که منظور وی را از نظم، یعنی نظم مطلوب سرمایه داری، بقیه در صفحه ۴

متحد و یکبارچه علیه اخراج کارگران روز مزد

در اواخر ماه گذشته مدیران شرکت صنایع هواپیمائی با تائید شورای فرمانی اعلام میدارند که بدلیل کمبود بودجه از تاریخ ۱۰/۱ به کار ۴۲ کارگر روز مزد خاتمه داده میشود. اعلام این خبر ابتدا اعتراضات پراکنده کارگران را بوجود می آورد. بقیه در صفحه ۴

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است!

صنایع دفاع

بقیه از صفحه ۳

میفروشند، عازم این کشورها شده اند. با زسازی ضداطلاعات در تمام قسمتهای صنایع دفاع، تحت نام دایره حفاظت اطلاعات و... در حال انجام است از جمله در شرکت پنهان مدیرعامل ضد کارگزار شرکت، پس از یکسال بخشنامه "خیلی محرمانه" شماره ۱۸/۵۱-۴۳-۱۰۰/۲۰۷-۱۰۰ ریخ بیست و هفتم آبان را در تاریخ بیست آذر برای همه قسمت ها فرستاده و از کلیه مدیران خواسته است که با دایره حفاظت اطلاعات همکاری نمایند. در این بخشنامه نوشته شده که مدیران در مرحله اول موظفند از پرسنل ضداطلاعات سابق بهره برداری نمایند و آنها را بکار گیرند. بیهوده نیست که آقای عبدوی که از افراد انجمن اسلامی است و مدیریت حفاظت پنهان را بعهده دارد، ضداطلاعاتی های سابق و (البته خوشنام!) را بکار دعوت کرده و از آنان برای جاسوسی استفاده مینماید یکی از شگردهای این فرد "مکتبی" این است که ضداطلاعاتی ها را به درمنازل کارکنان فرستاده و از همسایه هادر مورد عقاید و افکار و گرایشات آنها تحقیق مینماید! حتی ساواکی های شاه هم که خود را در مورد جاسوسی بدون رقیب میدانستند عقلشان به اینجا قدنداده بود!

نقل از خبرنامه صنایع دفاع

اتحاد کارگران باطری سازی...

بقیه از صفحه ۳

یعنی استثمای هر چه بیشتر کارگران، یعنی عدم درروئی کارگران... سرمایه داران، یعنی اطاعت بی چون و چرای زحمتکش و... دریافته اند، به او میگویند: "ما بدون شما خیلی بهتر کار را میگردانیم." درگیری بالا میگیرد. سرمدی میخواهد با تهدید به اخراج تنی چند از کارگران آگاه "نظم" خود را تحمیل نماید. کارگران در مقابل این حرکت ضدکارگری دست به اعتصاب زده و تولید را میخوابانند. مدیران به دست و پا میافتند. یکی از عوامل مدیرعامل به میان کارگران آمده و سعی در فریب کارگران دارد. کارگران خواستههایشان را چون مسکن، اضافه حقوق، بهداشت و... مطرح میکنند. وی قول میدهد که هیچیک از کارگران اخراج نگردند و بعضی خواستههای جزئی آنها را میپذیرد. کارگران به سرکارها میگردند. کارگران در مقابل زورگویی مدیران می ایستند، ولی با دیدن اندک هنگامی که شورای واقعی خود را تشکیل نداده و در آن متشکل نشوند قاطعانه در تحقق حقوق برحق خویش و مقابله جدی با مدیران نخواهند بود.

درگیری دو طایفه در لرستان با پاسداران و ژاندارمها چهار نفر کشته و هیجده نفر مجروح شدند

بعد از درگیری های اخیر که در آن یک نفر از عودیلی ها کشته و چند نفر از طرفین مجروح شدند، هیئت هفت نفره واگذاری زمین اعلام کرده عودیلی ها باید زمینها را ترک کرده و به طایفه دیناروند واگذار کنند. در تاریخ بیست و پنج آذر دستور هیئت هفت نفره، پاسداران پلدختر و کوهدشت با تفاق ژاندارمها برای اخراج عودیلی ها با این منطقه رفتند که با مقاومت روستائیان مواجه شدند. پاسداران ابتدا شروع به تیراندازی هوایی کردند ولی چون مردم مقاومت میکردند آنها راه را به رگبار بستند، که در نتیجه چهار نفر کشته و هیجده نفر مجروح شدند.

در جریان درگیری بین سپاه پاسداران و ماوران ژاندارمری با طایفه عودیلی لرستان چهار نفر کشته و ۱۸ نفر زخمی شدند. طایفه عودیلی که ساکن بخش کوهدشت لرستان میباشد مدتی است با طایفه دیناروند (ساکنین جلگه خلیج در بخش پلدختر) که در فاصله ۸۵ کیلومتری جنوب خرم آباد واقع در جاده خرم آباد اندیشک سکونت دارند، بر سر مساله زمین اختلاف پیدا کرده اند. در زمان رژیم شاه طایفه عودیلی رعیت مالکی بنام غضنفری بودند و این زمینها را از شخص نامبرده خریداری کردند ولیکن غضنفری که از وابستگان رژیم شاه بود، زمین های مزبور را با زور از عودیلی ها گرفته و به طایفه دیناروند فروخت. در این مورد اعتراض عودیلی ها بجائی نرسید و بعیت اینکه زمینها در روستای آنها واقع شده با زهم بعنوان کارگر کشاورزی روی این زمینها که عمدتاً در آنها صیفی جات کشت میشود مشغول کار شدند. در جریان قیام عودیلی ها زمینهای مزبور را مصادره کردند.

متحدویکپارچه علیه...

بقیه از صفحه ۳

کارگران آگاه بلافاصله یک جلسه عمومی تشکیل میدهند. مدیریت و شورا زیر ضرب قرار گرفته و با سئوالات افشاء گرانه کارگران روبرو میگردند. کارگری از یکی از نمایندگان شورا میپرسد: "در شرایطی که بیکاری بیداد میکند، گرانی و هزینه زندگی هر چه بیشتر بر دوش ما سنگینی میکند، اخراج ماجر گرسنگی کشیدن بیشتر زین فرزندانمان معنی دیگر دارد؟" کارگرد دیگری میگوید پس کواچین حکومت مستضعفین؟ در همین شرایط جنگ چراتما مدیران مفت خور بیکاریا حقوقهای ۳۰ تا ۳۰ هزار تومانی هنوز بر سر کار رند و تنها برای ما بودجه کم می آید و با اید اخراج بشویم. کارگران در مقابل این پایمال کردن آشکار حقوقشان تصمیم به مقاومت جمعی میگیرند. در مقابل تصمیم قاطع کارگران مدیریت به حیل های دیگر توسل میجوید. اعلام میدارد که کارگران در روز مزد به کارخانه ذوب مس منتقل میشوند. در کارخانه ذوب مس کارگران انتقالی در می یابند که برای مقابله با اعتراضات کارگران آن کارخانه در پی کسب حقوق برحق خویش به آنجا برده شده اند. در حقیقت مدیران قصد داشتند از آنان بعنوان اعتصاب شکن استفاده نمایند. در نتیجه با آگاهی

به توطئه کشف مدیران پی برده و به شرکت صنایع هواپیمائی باز میگردند در شرکت دست به افشاگری وسیع زده و با سایر کارکنان تماس میگیرند. اکثریت تکنسینهای شرکت بهمراه دیگر کارکنان با جمع آوری امضاء، طومار و... از آنان اعلام پشتیبانی میکنند. صف متحدویکپارچه کارکنان شکل میگیرد.

سازات کارگران روز مزد پیگیرانه و بهمراه حمایت قاطع سایر کارکنان ادامه می یابد. بالاخره در روز ۱۰/۱ - مدیران مجبور به عقب نشینی شده و کارگران برای ۴ ماه دیگر بر سر کار باقی میمانند. کارگران در روز مزد تمامی کارکنان پی به نیروی اتحاد رزمنده خویش برده و اولین گام را در عقب راندن مدیران و پیروزی خویش بر میدارند.

اکنون کارگران آگاه و پیشرو باید بکوشند تا با آگاهی دادن به سایر کارگران و متشکل شدن هر چه بیشتر مبارزات کارگران را ارتقاء دهند. آنان باید با شکل در شورای واقعی میهای دیگر در پی تحقق خواستههای برحقشان چون رسمی شدن... بردارند کارگران در پیافتند که تنها با اتحاد آگاهانه قاطعانه مقابله با مدیران و سرمایه داران خواهند بود و بالاخره درخواهند یافت هنگامی که طبقه کارگر چون تنی واحد به مبارزه برخیزد طومار نظام سرمایه داری را به هم پیچیده و آنرا به زباله دانی تاریخ خواهند سپرد.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



برای مقابله با توطئه های سرمایه داران

(اخراج و تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق را برپا داریم.

در شرایطی که اوضاع اقتصادی هر روز بحرانی تر میشود، بیکاری و گرسنگی و آوارگی کارگران و زحمتکشانی با عذیبی می یابد. سرمایه داران می خواهند با خریدکننده بحران را بردوش کارگران بگذارند. آنها کوشش میکنند بخرج توده کارگران و زحمتکشانی بحران را تعدیل کنند، ضمن آنکه از سوی هیئت حاکمه که مدافع منافع سرمایه داران است، پشتیبانی میشوند. از جمله روش هایی که سرمایه داران برای سرکوب مبارزات کارگران و درهم شکستن اتحاد و همبستگی آنها بکار میگیرند، تهدید به اخراج و تعطیل کارخانه است. آنها در واقع با تهدید و اخراج و تعطیل کارخانه همراه با تصویر عواقب وحشتناک گرسنگی، می خواهند کارگران را بزانو در آورند. توسل باین روش غالباً در دوره هایی که تولید را اختلال و جامعه در حال بحران است، یکی از اقدامات موثر سرمایه داران بر علیه کارگران میباشد. بهمین دلیل راهی برای امکان بهبود بخشیدن بوضع کارگران بدون توسل به عمل انقلابی وجود ندارد. ما از آنجا که طبقه کارگران ایران از فقدان یک سازمان سراسری رنج میبرد، امکان مقاومت طرح ریزی شده و سیستماتیک همراه با مبارزه های سازمان یافته بمعنی واقعی کلمه، وجود ندارد. بهمین علت در شرایط کنونی هر جا که شورا های واقعی امر هدایت مبارزات کارگران را در دست دارند باید با تشکیل هیئت های تحقیق به بررسی بهانه های سرمایه داران در مورد علل اخراج کارگران و تعطیل کارخانه ها و... گام بردارند و با افشای بهانه های سرمایه داران، و نظارت و دخالت در امور جاری کارخانه، مانع اخراج و تعطیل کارخانه شوند.

در کارخانه هایی که شورا های واقعی قدرت را در دست ندارند کارگران مبارز و پیشرو خود، باید بمقابله با سرمایه داران برخیزند. ضمن اعتراض به اخراج و تعطیل کارخانه و با تبلیغ نظریات هیئت تحقیق زمینه تشکیل مجمع عمومی را فراهم کنند و در مجمع عمومی با تشکیل هیئتی از کارگران آگاه و مبارز، هیئت تحقیق را برپا دارند.

★ وظایف هیئت های تحقیق در شرایط کنونی

- ۱- باید مانع اخراج کارگران شوند
کارفرمایان و سرمایه داران به بهانه های گوناگون و تحت پوشش های عوام فریبانه دست به اخراج کارگران میزنند. هیئت های تحقیق باید ضمن بررسی بهانه های آنها و توضیحی پایه بودن دلایل کارفرمایان و سرمایه داران نزد کارگران، با افشای آنها از اخراج کارگران جلوگیری بعمل آورند. از آنجا که در شرایط کنونی اخراج کارگران یکی از مسائل همه گیر کارخانه هاست، فعالیت هیئت های تحقیق در این زمینه از عمده ترین وظایف آنها می باشد.
- ۲- کلاه برداری، اسناد مالی و...
مدیران و سرمایه داران را افشاء کنند. از آنجا که در شرایط کنونی (بحران اقتصادی) دولت و سرمایه داران با بهانه های گوناگون بخشی از حقوق کارگران را کم می کنند و با دست به اخراج کارگران میزنند، در مقابل در بعضی از کارخانه ها مدیران و سرمایه داران دست به دزدی های کلانی زده اند. که این چیزی جز غارت دسترنج کارگران نمی باشد. از جمله این دزدیها، سوء استفاده مالی است که در کارخانه های عظیم ایران ناسیونال صورت گرفته است که هیچ پیگیری مشخصی را هم بدنبال نداشت. در کارخانه با فکر اخیر یک قلم دزدی ۵ میلیون تومان صورت گرفته است که کارگران در پی روشن کردن قضیه می باشند. دزدیهای متعددی هم در جنرال موتورز اتفاق افتاده است. هیئت های تحقیق باید با سوء استفاده مالی مدیران و کارخانه داران را بررسی نموده و آن را نزد کارگران افشاء نمایند.
- ۳- سرمایه داران و کارخانه داران با حقیر جلوه دادن سود و منفعت کارخانه در جهت کم کردن دستمزد و مزایای ناچیز کارگران و یا مقابله با عدم افزایش آن گام بر می دارند. هیئت های تحقیق باید تا آنجا که می توانند بگونه ای هر چه دقیق تر سود های کلان سرمایه داران و دولت را برای تمام کارگران رو کنند. بعنوان مثال همیشه تحقیق یکی از کارخانجات کفش ملی به بررسی سود کارخانه در چند ماه گذشته پرداخت و با وضوح تمام برای کارگران توضیح داد که با توجه به اینکه میزان تولید

- در مهر و روآبستان از خردا دو تیر به مراتب کمتر بوده است ولی در سود کارخانه تفاوتی محسوس وجود نداشته است. علت این مسئله در دو چیز بوده است، نخست اینکه در مهر و آبان محصول کفش کارخانه به لحاظ نوع تولید گرانتر و مرغوبتر بوده است دوم اینکه به قیمت کلیه محصولات کارخانه در صد فوق العاده ای افزوده شده است. و یا در کارخانه ارج نمایندگان ضد کارگر شورا مدعی بودند که کارخانه نزدیک ۵ تا ۶ میلیون تومان ضرر داشته است در حالی که مبارزات کارگران آنها را مجبور کرد که اعتراف کنند کارخانه ۱۵ میلیون تومان سود داشته است.
- ۴- غلو کردن مغرضانه در مورد هزینه تولید یکی دیگر از دلایل سرمایه داران و کارخانه داران در جهت کاهش حداقل دستمزد کارگران و یا مقابله با افزایش آن است. در اغلب کارخانجات مشاهده شده است که در شرایط کنونی به حقوق مدیران و کارمندان عالی رتبه افزوده می گردد. کارگران نه تنها افزوده نمی شود بلکه کاهش نیز می یابد از جمله نمونه های این موارد، افزایش حقوق مدیران در یکی از شرکتهای کفش ملی در سر آسباب بود که با اعتراض دسته جمعی کارگران روبرو شد. و نمونه دیگر آن افزایش حقوق کارمندان عالی رتبه در کارخانه پارس الکتریک می باشد که با اعتراض و اعتصاب کارگران روبرو گشت.
 - ۵- هیئت های تحقیق باید اسرار معاملاتی و میزان اعتبار دولتی و چگونگی استفاده آن را بررسی نمایند. اغلب یکی از امتیازات کارخانه داران و سرمایه داران دسترسی به این امکانات می باشد که از آنها برای سودبری هر چه بیشتر استفاده می کنند. هیئت های تحقیق باید با دسترسی به این منابع هر گونه توطئه سرمایه داران را خنثی نمایند.
 - ۶- هیئت های تحقیق باید امکان کاهش زمان کار کارگران شاغل را با تامین هزینه های زندگی در شرایط جاری در کارخانه بررسی نمایند تا امکان استفاده بیکاران را فراهم کنند. آنها باید در ضمن آن بیکار کارگران شاغل توضیح دهند که بقیه در صفحه ۶

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

نفتگران آواره همچنان تحت فشارند!

روزهای بیست و نهم و سیام آذرماه پیش از چهل خانوادۀ نفتگران آواره که اخیراً در دهکده المپیک ساکن شده اند در ساختمان مرکزی وزارت نفت تجمع مینمایند. اعتراض آنها زکۀ قطع برق منازل و نزسیدن سوخت لازم به آنها آغاز شده بود، خواسته‌هایی چون مسکن، خوار و بار، حقوق ماهیانه، بهداشت و غیره... را نیز بدینال داشت. این تجمع با تعهد معاون نفت کشور، در مورد وصل برق و رساندن سوخت به دهکده پایان می‌یابد و قرار می‌شود روز ۶/۱۰ اگر رکنان برای گرفتن جواب قطعی مراجعه نمایند.

روز موعود نفتگران آواره به همراه خانواده‌ها پیشانی‌ها در آواره مرکزی وزارت نفت مراجعه میکنند اما هیچکس برای پاسخگویی با آنها حاضر نمیشود. آنها در طبقه هفتم ساختمان متحصن میشوند. تحصن قریب ۲۰ ساعت ادامه پیدا میکند و طبق معمول پاسداران وارد میشوند. ابتدا متحصنین را محاصره میکنند و از ورود و خروج همکاران نفتگران جنگ زده جلوگیری میکنند بعد برای آنکه فشار بیشتری به این جمع وارد کنند مانع ورود هرگونه آذوقه به ساختمان می‌شوند، حتی نمیکذارند شیر خشک برای نوزادان وارد شود. اما متحصنین در مقابل این پاسداران سرمایه و فشار آنها مقاومت میکنند و حاضر نمیشوند محل را ترک کنند. در ساعت دویسی دقیقه با مداخله قطع برق، در ساعت دویسی دقیقه برخانواده‌ها بیشتر میشود، یک نفر را نیز در این مدت دستگیر میکنند. اما مقاومت همچنان ادامه می‌یابد.

روز بعد، یعنی روز ۱۰ ربیعین، پاسداران به خانواده‌ها میگویند "اگر اینجارا ترک نکنید مردم (راهبیمایان) را میاوریم شما را بیرون بریزند!"
نفتگران متحصن چون نمیخواستند درگیری ایجاد شود و در حالیکه سراپا خشم بودند با صدور قطعنامه‌ای توسط "شورای سراسری کارکنان جنگ زده آبادان و خونین شهر محل تحصن را ترک میکنند. در این بین قطعنامه آمده است که:

"در تمام این مدت با اکثر ارگانهای مسئول زحمت دقت را ما، نخست وزیر، و سایرین نهادها تماس گرفتیم ولی آنها نیز جواب قانع کننده‌ای بماندادند، چون ما می‌بینیم تمام جریانات موجود حاکی از توطئه و جو سازی علیه ما میباشد و عده‌ای غیر مسئول میخواهند در این روز مقدس خونریزی را ببینند از زند، بدین خاطر با توجه به تمام موارد فوق و برای اینکه با زهم حسن نیت خود را در مورد

خواستهای برحقمان نشان داده - با شیم و همچنین بخاطر احترام به اربعین، ضمن فشاری برخواستهای قبلی خود، تا روز شنبه ۱۳/۱۰/۵۹ به مسئولین وزارت نفت مهلت داده و خواستهای فوری زیر را نیز خواهیم: ۱- ماهرگونه دستگیر نمودن همکاران خود را به هر بهانه‌ای محکوم نموده و خواهان آزادی فوری همکار زندانی خود میباشیم.

۲- ما به مسئولین صنعت نفت اخطار میکنیم که اگر با زهم بخوانند در این مدت به خواسته‌های ما بی توجهی نمایند در روزهای آینده با تمام خانواده‌های قریب به هفده هزار از کارکنان جنگ زده روبرو خواهند بود. این نفتگران پس از صدور قطعنامه وزارتخانه را ترک میکنند ولی در مسیر وزارتخانه تا محل دهکده المپیک دوبار مورد حمله و آزار و اذیت و باشان قرار میگیرند.

اکنون زحمتکشان خوزستان منجمله نفتگران قهرمان، علاوه بر تجاوزات رژیم ضد خلقی عراق با جبهه دیگری از ضد انقلاب نیز روبرو میباشند. حاکمیت با شیوه‌های گوناگون آنها را تحت فشار قرار میدهد. آنها برای ابتدائی ترین حقوق انسانی یعنی حق حیات، مسکن، سوخت و غیره نیز باید مبارزه نمایند. اما اگر حاکمیت در برخورد با کارکنان جنگ زده هر چه بیشتر به تهدید، ارباب و سرکوب متوسل میشود، نفتگران قهرمان به حمایت بیشتری از همکاران جنگ زده خود بر می‌خیزند. در همین رابطه شوراها و صنعت نفت به حمایت از این آوارگان پرداختند. این شوراها که عبارت بودند از:

شورای کارکنان عملیات پالایش پالایشگاه تهران، شورای متحد پالایشگاه تهران، شورای تکنیسین‌های تعمیرات پالایشگاه تبریز، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای پالایش پالایشگاه اصفهان و... طی دوروزنشستی که داشتند قطعنامه‌ای تصویب نمودند. مواردی از این قطعنامه چنین است:

"... هرگونه کمیته و کمیسیون و تصمیم گیری در آنها بدون حضور و مخالفت مستقیم نمایندگان واقعی و منتخب آوارگان جنگ زده صنعت نفت از نظر ما بدون اعتبار و تحمیلی بوده و تنها تصمیمی را قبول داریم که مورد تأیید شورای آوارگان باشد."
"هرگونه تفرقه و جدائی انداختن بین کارکنان جنگ زده تحت عنوان رسمی و زیر پوشش را محکوم و همه را کارکنان پاک و صدیق این صنعت میدانیم..."

و بدینسان شوراها و صنعت نفت با حمایت خود از آوارگان جنگی، طلبه‌های وحدت یکپارچه نفتگران را با بردیگر به نمایش گذاشتند. بدون شک مبارزات نفتگران جنگ زده به همراه حمایت و پشتیبانی سایر نفتگران قهرمان حاکمیت را به عقب نشینی وادار خواهد ساخت.

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران...

بقیه از صفحه ۵

سرنوشت بیکاران با سرنوشت تمام کارگران گره خورده است. هیئت‌های تحقیق باید مانع تعطیل کارخانه‌ها گردند. آنها میزان و چگونگی تهیه مواد خام را باید دست آورده و آن را به اطلاع کلیه کارگران برسانند و در این رابطه می‌توانند میزان و چگونگی وابستگی صنایع ایران را به کارگران توضیح دهند و امکان تهیه مواد خام از منابع دیگر را بررسی نمایند.

اگر پیشبرد این وظایف هیئت‌های تحقیق فقط با حفظ تماس دائم با توده کارگران و تضمین مشارکت همه جانبه کارگران عملی است. در این بین رابطه هیئت‌های تحقیق ابتدا باید در جهت کسب اعتماد توده کارگران حرکت کرده و همیشه آنها را در جریان کارهای خویش قرار دهند و این مهم جز با تشکیل مجامع عمومی که توده کارگران در آن حضور داشته باشند عملی نیست. آنها تنها با توسل به این تاکتیک و عمل انقلابی کارگران خواهند توانست سرمایه‌داران را مجبور به عقب نشینی کنند.

ضمناً لازم به تأکید است، در کارخانه‌ها شیکه شوراها و انقلابی و خوددارند، هیئت‌های تحقیق باید کاملاً زیر نظر آنها حرکت نمایند.

کارگران مبارز و پیشرو باید ابتدا به تبلیغ ایده تشکیل هیئت‌های تحقیق در کارخانجات بپردازند و ضرورت آن را برای کارگران توضیح دهند. شرط موفقیت کاملاً آنرا که با تشکیل هیئت‌های تحقیق در کارخانجات و سپس گسترش آن در یک ارگان واحد می‌باشد که گسترش دهند و به همراه آن توضیح دهند که در چه رچوب نظام سرمایه‌داری قادر به حل کامل این مشکلات نخواهیم بود و این رهنمودگرا نقد رنلین رهبر پرولتاریای جهان را تبلیغ کنند که:

"در نظر سوسیالیست‌ها بیکار اقتصاد پایهای است برای سازمان دادن کارگران در یک حزب انقلابی، برای تقویت و تکامل بیکار طبقه‌ای علیه کل سیستم سرمایه‌داری، ولی اگر به بیکار اقتصاد می‌بینیم چون چیزی خود بسنده نگریسته شود نگاه هیچ چیز سوسیالیستی ندارد. در تاریخ کلیه کشورهای اروپائی نه تنها اتحادیه صنعتی سوسیالیستی بلکه همچنین اتحادیه صنعتی ضد سوسیالیستی هم داشته‌ایم. کمک به بیکار را اقتصادی پرولتاریا را سیاستمدار بورژواست. کار سوسیالیست عبارت است از تبدیل بیکار را اقتصادی در جهت کمک به جنبش سوسیالیستی و پیروزی حزب سوسیالیستی انقلابی."

باید با استخدام کارگران بیکار،

بساط "اضافه کاری اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود!



حقوق کارگران خونین شهر پرداخت باید کرد!

بیش از پانزده روز است که کارگران شرکت بنا در وکشتیرانی جنوب (بندر خرمشهر) برای گرفتن حقوق عقب مانده خویش (از مهرماه تا کنون) در تهران سرگردانند. آنها از وزارت کار به نخست وزیر از نخست وزیر به مجلس شورای اسلامی از مجلس به نخست وزیر، از نخست وزیر به وزارت کار از وزارت کار به "جماران" و از جماران به وزارت کار و از آنجا به... پاس ناده میشوند. اما کارگران زحمتکش و جنگ زده بندر که از ستم دیده ترسیده و حروم ترین توده های خلق عسرب هستند، همچنان مصرا نه و متحد برای گرفتن حقوق حقه خویش پایبنداری و مبارزه می کنند.

از روز ۲۷/۹ طبق وعده قبلی وزارت کار به کارگران بندر، آنها به وزارت کار میروند ولی وزیر کار (چنانچه رسم سرمایه داران است) با بیشرمی میگوید: "بمن ربطی ندارد، هرکاری میخواهید بکنید، بروید شکایت بکنید!!" کارگران پس از شنیدن پاسخ وزیر کار ربطی به نخست وزیر برای افتند. کارگران با مشت های گره کرده شعار میدادند: "بی اعدام یا حقوق" - "نمایندگان خرمشهر احضار باید کردند". در طول راه پیمائی عابرین آگاه و زحمتکش از آنها حمایت و پشتیبانی میکردند. در مقابل ساختمان نخست وزیر نمایندگان کارگران برای دیدن رجائی وارد ساختمان میشوند ولی به آنها میگویند: "رجایی با کارگران صحبت نمی کند!!!"

کارگران با شنیدن این جواب، خشمگینانه به فارسی و عربی شعار میدادند. آنها رجایی را مخاطب قرار داده فریاد میزدند: "چرا پدردمان نمی رسید، هر چه دارید از ما کارگران دارید، همین شیشه های نخست وزیر را ما از کشتی ها خارج کردیم، همین خانه و کاشانه تان را ما کارگران ساخته ایم حال که آنها خرمشهر را گرفته اند ما به درد تان نمیخوریم، ما را اول کرده اید و حقمان را نمیدهید."

کارگردیگری فریاد میزد: "ما تا بیستم مهر در شهرمانندیم، بیستم عراقیهای جلاد آمدند، ما مجبور شدیم زن و بچه هایمان را نجات دهیم، بما اسلحه ندادید با آنها بجنگیم، ما کسه نمیخواستیم این انقلاب را صادر کنیم خودتان کردید ما بدبختیش برای ما است بیچاره شدیم، آواره شدیم، کشته دادیم،

زخمی شدیم، اما کیست که بدردمان برسد، وزارت کار میگوید بمن مربوط نیست پس درش را ببندید". کارگران زحمتکش و ستم دیده که روزهاست در تهرانبهران سرگردانند، خسته از این جنگ غیر عادلانه و از دروغهای حاکمیت، بار دیگر در ۹/۳۰ در مقابل نخست وزیر اجتماع میکنند و نماینده به مجلس ۴ نماینده به نخست وزیر می فرستند. یکی از نمایندگان مجلس دست نویسی داده بود که نخست وزیر به خواست اینها رسیدگی کند! نخست وزیر نیز گفت: "دولت پول ندارد، بروید گدائی کنید!!!"

کارگران از این همه بیشرمی دولت سرمایه داران خشمگینانه فریاد میزدند: "ما گدای نیستیم، ما صدقه نمیخواهیم، ما حقمان را میخواهیم. سی سال است که کار کرده ایم حالا چرا حقمان را نمیدهید، جنگ را انداخته ایستد، میخواستید صدور انقلاب کنید، ما را آواره کردید، حقمان را هم نمیدهید، بچه های ما گرسنه و آواره اند". کارگردی میگفت: "خودم دیشب با یک پتو تا صبح در کنار خیابان خوابیدم از سرما اینخ زدم، کمی آتش روشن کردم، پاسدارها آمدند و خا موش کردند، بمن گفتند تو ضد انقلابی، میخواهی علامت بدهی!!"

در روز ۲/۱۰ کارگران مجدداً از نخست وزیر بطرف وزارت کار راه پیمائی کردند، برپلاکاردی که حمل میکردند نوشتند: "حقوق کارگران بطور کامل باید پرداخت گردد" کارگران شعار میدادند: "رجایی کجایی حقوق کارگر بده!" - "رجایی رجایی جواب کارگر بده!"

کارگران پس از ساعت تحصیسی نتیجه، تصمیم گرفتند بطرف "جماران" بروند، آنها مصمم هستند حقوق حقه خویش را بگیرند. راه پیمائی پرشکوه کارگران در حالیکه شعار میدادند: "خونین شهر سنگ را انقلاب است، کارگر حامی انقلاب است" - "حقوق سه ماهه کارگران خونین شهر پرداخت باید گردد" "رجایی رجایی حقوق کارگر بده" - "رجایی، بنی صدر حقوق کارگر بده" آغاز شد. آنها شب خسته و گرسنه به جماران رسیدند، آیت الله خمینی به بهانه بیماری حاضر نشد کارگران ستم دیده بندر را بپذیرد. نماینده آیت الله خمینی به نمایندگان کارگران گفت: "باید به وزارت کار بروید!!!" کارگران هر روز در مقابل وزارت کار رو نخست وزیر اجتماع میکنند.

کارگردی در پاسخ رفیقش که میگفت: "میگویند اگر به نخست وزیر بیایند شما را به رگبار می بندند"، فریاد میزد: "ما که همه چیز، خانه و زندگی خود را از دست داده ایم، بگذار ما را بکشند تا هر چه بیشتر چهره اینها روشن بشو". کارگردی دیگری میگفت: "ما از گرسنگی به تهران آمده ایم خانواده های ما گرسنه و آواره اند، ما نمایندگان بیش از ۱۲ هزار کارگر هستیم، دولت ۴ ماه است حقوق به ما نداده، ما همه جنگ زده ایم، ما حقمان را میخواهیم". کارگردی دیگری در پاسخ یکی از زحمتکشان تهرانی میگفت: "هیچ یک از کمک های شما به جنگ زده ها نمانده است."

کارگران زحمتکش و ستمکش بنا در هر روز در مقابل وزارت کار رو نخست وزیر جمع میشوند تا حقوق حقه خویش را از رژیم مدعی طرفداری از کارگران و زحمتکشان بگیرند.

کارگران بندر که بخصوص در این روز های پربار تجربه، بخوبی از ماهیت ضد کارگردی و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی آگاهی یافته اند، مصمم اند با دولت سرمایه داران مبارزه کرده و حقوق حقه خویش را از حلقوم آنان بیرون بکشند.

منشور شد



لنین:

در جنگ و انقلاب

۲ صدای یک سوسیالیست شریف
فرانسوی

۳ رسوایی آنچنانکه سرمایه داران
و پرولتاریا آنرا درک می کنند

۴ بخشی از نامه به گ. ی. زینوویف

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

بنیاد خدمات مالی

به مثابه نهادی در خدمت حزب جمهوری اسلامی و جایگزین بانک اسلامی

عربشاهی در این مصاحبه اظهار می‌دارد: "بنیاد خدمات مالی جمهوری اسلامی ایران برای ریشه‌کن کردن ربا از طریق حل مشکلات مالی" تشکیل شده "آقای قائم مقام در همین ابتدای گفتارشان، هدف را روشن کرده اند ولی در لغت فیه و جاپس و پیش کردن کلمات، چون در واقع هدفشان همان حل مشکلات مالی است، لکن نه با "ریشه‌کن کردن ربا"، بلکه از طریق بهره‌وساستم عملیات بانکی. حال ببینیم این بنیاد، چگونه می‌خواهد ربا را ریشه‌کن سازد تا نتیجتاً به "احیاء اقتصاد اسلامی در کشور دست یابد؟ بناً بیگفته قائم مقام برای دستیابی به اهداف این بنیاد، فعالیت‌های آن باین شرح در نظر گرفته شده: گشایش حساب جاری، حساب تعاون، صدور ضمانت نامه، نگهداری اسناد و اورطی بها دار و وصول آنها، قبول امانات و نگهداری و حفظ آنها، قبول وصیت، قیمومیت، وکالت، مشاوره، مدیریت شرکتها، قبول مشارکت مضاربه و مزایرعه و مساوات (که با پیوستن مساوات باشد) و در حقیقت بکار گرفتن دارائی بنیاد از طریق عملیات بازرگانی شروع در ایجاد ابنیه عمومی عام المنفعه، راهسازی و کلیه امور بازرگانی".

هرکس با اطلاعاتی اندک، با نظری اجمالی به نکات مشروحه در فوق درمی‌یابد که این وظایف، دقیقاً وظایفی است که در نظام سرمایه‌داری بعهده بانک بوده و در جهت منافع سرمایه‌داران عمل کرده است. به چند نمونه از این موارد اشاره کنیم: مثلاً صدور ضمانت نامه، ضمانت نامه، برای چه کسی؟ روشن است، برای صاحب سرمایه ای که برای تضمین فعالیتها یش، سپرده‌ای در بانک می‌گذارد، بیا نگهداری اسناد و... وصول آنها، که اینهم چیزی جز همان تنزیل نیست، قبول وصایت و وکالت و... که بر چه مبنائی صورت می‌گیرد؟ مسلماً در مقابل دریافت درصدی، چند درصد؟ روشن است طبق قرارداداً خصوصاً که در اسلام کار بدون اجرت برای "تبرع" نیست. از آقای قائم مقام و دولت مردان جمهوری اسلامی می‌پرسیم، مگر بانکهای سرمایه‌داری جز این عمل کرده‌اند؟ و بنیاد خدمات مالی؟! بایک چنین فعالیت‌هایی که عربشاهی بر شمرده، غیر این انجام خواهد داد؟

در جهت تعدیل مشکلات مالی و تثبیت نظام سرمایه‌داری گام بردارد؟ مسلم اینست و هما نگونه که دو سال حاکمیت دولت جمهوری اسلامی نیز نشان داده، شق دوم صحیح بوده و این دولت نه خواست نابودی ربا خواران یا بهتر بگوئیم سرمایه‌داران را دارد و نه می‌تواند از بهره چشم‌پوشد. بلکه هدفش تنها، استفاده از پس انداز و ذخیره مردم به منظور مقابله با بحران اقتصادی است که گریبانش را گرفته است. با مروری بر مضامین عربشاهی قائم مقام "بنیاد خدمات مالی" (مندرج در جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۲۰)، اسرار نهفته در پس عبارات ناشناخته برای توده‌ها به لحاظ محتوای حقوقی‌اش، و در نتیجه سیستم اقتصادی حاکم بر بنیاد دوشکلی سرمایه‌داری و شکل بانکداری است، بیشتر و بیشتر آشکار می‌گردد.

در زمانی که ورشکستگی مالی به چنان درجه‌ای رسیده که دیگر جای انکار باقی نمی‌گذارد دولت به انواع حیل سعی دارد تا اعتماد مردم را به بانکها، این مهمترین مرکز حیات اقتصاد سرمایه‌داری جلب نماید و حتی آیت الله خمینی برای رفع مشکلات مالی، بهره را تحت پوشش "جایزه" مجاز می‌شمارد، دولت جمهوری اسلامی با زمدعی "ریشه کن کردن ربا" آنهم از طریق شکل‌گیری بنیادی بورژوازی، تحت عنوان دهن پرکن و فریبنده‌ای چون "بنیاد خدمات مالی" گردیده است.

آیا برآستی دولت جمهوری اسلامی خواست و توان از میان برداشتن ربا را دارد؟ یا آنکه اینبار نیز به راه حل دیگری توسل جسته تا از یک سو با عباراتی میان تهی و خالی از مضمون انقلابی به فریب و تحمیق توده‌ها دست زند و از دیگر سو با ایجاد نهادی برپا به یک سیستم بانکی،

بمنظور ریشه کن کردن ربا
جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۲۰
بنیاد خدمات مالی جمهوری اسلامی ایران
تشکیل میشود

حسن عربشاهی قائم مقام مدیر عامل بنیاد خدمات مالی جمهوری اسلامی ایران دیروز در گفتگویی با خبرگزاری پارس ضمن اعلام این مطالب اظهار داشت بنیاد خدمات مالی جمهوری اسلامی ایران برای ریشه‌کن کردن ربا از طریق حل مشکلات مالی و رفع حواجی جامعه و تعاون در امور خیریه و برپه و نتیجتاً احیاء اقتصاد سالم اسلامی در کشور تشکیل شده است. وی سپس افزود برای دستیابی به اهداف این بنیاد فعالیت‌های آن باین شرح در نظر گرفته شده است: گشایش حسابجاری، حساب تعاون، صدور ضمانتنامه، نگهداری اسناد و اوراق بهادار و وصول آنها، قبول امانات و نگهداری و حفظ آنها، قبول وصایت، قیمومیت، وکالت، مشاوره، مدیریت شرکتها، قبول مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساوات و در حقیقت بکار گرفتن

دارائی بنیاد از طریق عملیات بازرگانی مشروع در ایجاد ابنیه عمومی عام المنفعه، راهسازی و کلیه امور بازرگانی، عربشاهی آنگاه افزود این بنیاد در خدمت

در اثر اقداماتی چون مشارکت، مضاربه و مزارعه چنانچه درآمدی داشته باشد در پایان نیمی از درآمد بعنوان ذخیره به دارائی بنیاد اضافه میشود.

از خدمات بنیاد استفاده نخواهد کرد. عربشاهی گفت این بنیاد در حال حاضر برای تحقیق و پژوهش متناسب با تحقیق افراد وام خواهد داد. همچنین برای ازدواج بین ۱۰۰ هزار ریال تا ۵۰۰ هزار ریال وام در اختیار داوطلبان قرار میدهد.

از سوی دیگر برای پرداخت بدهی تا ۵۰۰ هزار ریال و برای صنایع کوچک نیز تا ۵۰ هزار ریال وام به متقاضیان می‌پردازد

عربشاهی در پایان گفت این بنیاد در صنایع کوچک و کارخانجات ملی نشده مشارکت کرده و مواد اولیه کوچک را مهیا خواهد کرد.

در مورد خدمات این بنیاد اعضا بنیاد حق اولویت و تقدیم دارند ولی هیات مؤسس بهیچ طریق

اقلینتهای مذهبی در راه تالیف قلوب مضایقه نخواهد کرد. بنیاد از طریق قبول عضویت، اشخاص حقیقی و حقوقی را عضویت قبول کرده و حق عضویت پنج هزار ریال خواهد بود. این پول غیر قابل برگشت خواهد بود. عربشاهی افزود بنیاد غیر انتفاعی بوده و نه بهره میبرد و نه دریافت میدارد و

● بنیاد خدمات مالی غیر انتفاعی بوده و فعالیت آن بر اساس مشارکت، مضاربه و مزارعه خواهد بود

● این بنیاد برای فعالیت‌های صنعتی کوچک تا ۵۰ هزار ریال وام می‌پردازد

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



بنیاد خدمات مالی

بقیه از صفحه ۸

متغیر است که به خرید نیروی کار اختصاص می‌یابد در واقع دستمزدها را پرداخت می‌کند، که این نیروی کار نه تنها جبران دریافت دستمزدش را می‌کند بلکه مقداری بازبهدارائی (ثابت) بنیاد (کارفرما - بانک) می‌فزاید.

با تمامی این احوال قائم مقام بنیاد با ز مدعی است که بنیاد غیر انتفاعی بوده و نه بهره می‌پردازد و نه دریافت میدارد، هر چند که خود، برای آنکه سوء تعبیری نشود! بلافاصله اظهار میدارد که در آ مدنیاد "در ا شرا قدا ما تی چون مشارکت و مضاربه و مزارعه" خواهد بود که دیدیم هر یک از این عبارات که دولت جمهوری اسلامی بدان طریق سعی در تحمیل توده‌ها دارد به چه معناست. آری، غیر انتفاعی است، لکن برای زنگشان چرا که بانک، نهاد سود آوری است که انواع درآمدهای پولی را جمع آوری نموده و در اختیار سرمایه دار می‌گذارد.

ممکن است آقای عربشاهی و هم پالگی‌هایشان بگویند، ما وام بدون بهره تا ۵ هزار تومان میدهیم، ولی دیگر این نوع کلمات فریبنده و پوشاندن لباس پرزرق و برق بـر آن نیات بورژوازی، توده‌ها را که هر روز بیش از پیش به ما هیت این رژیم پی می‌برند، فریب نخواهد داد. زیرا روشن است دولت سرمایه دارانگاه که با رشد مبارزات گسترده توده‌ها روبرو می‌گردد به منظور خاموش کردن حرکات اعتراضی تن به انجام برخی رفرم‌ها و اعطاء امتیازها می‌دهد و حتی آنجا که با بحران اقتصادی مواجه است، به منظور به حرکت درآوردن چرخهای صنعت، حاضر به حذف بهره نیز می‌گردد. تازه از آقایان باید پرسید، شما به چه کسان می‌خواهید؟ آیا به توده‌های زحمتکشی که درآمدها را در روزگار کفاف مخارج فردایشان را نمیدهد؟ و چه خوب که خود معترف هستید: "در مورد خدمات این بنیاد، اعضاء بنیاد

حق الویت و تقدیم (تقدم) دارند". بدین ترتیب آشکار می‌گردد، آنچه را که آقای قائم مقام بنیاد خدمات مالی یک بیک بر شمرده، هیچ یک، نه تنها دلیلی بر حذف بهره و ربا از جانب دولت جمهوری اسلامی نیست بلکه بنا نهادن بنیادی چون بنیاد خدمات مالی تنها نشانه وجود دولت تنزیل خواری است که برای رها نشی از مشکلات مالی، از کاهش نقدینگی بانکها و نیز به راه انداختن صنایع وابسته و نجات نظام سرمایه داری در حال گنبدیگی به هر خیل دستاویزی توسل می‌جوید که اینبار در قالب بانک نوین تحت عنوان بنیاد خدمات مالی (البته برای سرمایه داران) در شکل اسلامی ولیکن در محتوا سرمایه داری، رخ نموده است، بطوریکه بهره "با زرگانی شروع" اش در قالب مضاربه، بهره مالکانه اش در مزارعه و سودبری اش از سرمایه گذار ربا در مشارکت، تحقق می‌پذیرد که سیستم عملیاتی اش همانا سیستم عملیات بانکی است.

با نکداری می‌پرسیم، چرا محتوای حقوقی یکایک این مواد را که در قانون مدنی نیز آمده برای توده‌ها روشن نمی‌کنید؟ شاید بگوئید، قانون مدنی، از آن رژیم شاه مزدور است، و مورد تا ئیدما نیست. هر چند که گفته‌اید تا تدوین قوانین جدید، قوانین گذشته به قوت خود باقی است و بر همان اساس نیز عمل می‌شود، که عمل هم کرده‌اید، بهر حال اگر جز این است، پس چیست؟

آیا بدین ترتیب جزاینست که دولت جمهوری اسلامی، از آنجا که از یک سو با اعتبار شدن بانکها مواجه گردیده و از دیگر سو از آنجا که با پدید آمدن موسسات اقتصادی را از طریق اعتبارات بانکی تا مین کند، در صدد تشکیل "بنیاد خدمات مالی" برآمده است تا با گردآوری سرمایه، مشارکت در صنعت و تجارت و دریافت حق العمل و... صنایع وابسته را بکار اندازد؛ و هما نظر هم که در پیش اشاره کردیم، عربشاهی خود صراحتاً می‌گوید: "بکار گرفتن دارائی بنیاد از طریق عملیات بازرگانی شروع در ایجاد بنیاد عمومی عام المنفعه، راه سازی و کلیه امور بازرگانی" چرا که خوب میدانند که امروز بازرگانی و صنایع چنان پیوند مستحکم و ناگسستنی با بانکها دارند که بدون عملیات بانکی مقابله با بحران اقتصادی امریست محال.

در خصوص اینکه سرمایه این بنیاد یا در حقیقت این بانک چگونه تا مین خواهد شد نیز جای نگرانی نیست! بنیاد از طریق قبول عضویت، اشخاص حقیقی و حقوقی را به عضویت قبول کرده و حق عضویت پنج هزار ریال خواهد بود. این پول غیر قابل برگشت خواهد بود "بیانی دیگر از این روشن تر امکان نداشت. تنها حباب اندوخته‌ها و پس انداز مردم بخاطر زحمتی از یک اقتصاد ورشکسته و کمک به صنایع وابسته. تازه این سرمایه چگونه عمل می‌کند؟ عربشاهی می‌گوید: "چنانچه بنیاد در آمدی داشته باشد! در پایان نیمی از درآمد بعنوان ذخیره به دارائی بنیاد اضافه میشود". آقای قائم مقام بی‌پرده از سرمایه ثابت و متغیر صحبت کرده (یا آنگونه که در شرکتها مرسوم است از دارائی های ثابت و جاری). در اینجا بیان ایشان کاملاً روشن است، آنچه که بعنوان ذخیره به دارائی بنیاد اضافه میشود، در واقع همان سرمایه ثابتی است که هر روز بر اثر استثماری کارگران و زحمتکشان بر جانش افزوده میشود و سرمایه گذار ربا بزرگتری را بدنبال می‌آورد و درونیم دیگر نیز سرمایه

نکات دیگر اشاره شده در همین قسمت مضاربه، یعنی مشارکت، مضاربه و مزارعه... دیگر جای تردیدی در تا ئید بهره و ربا از جانب دولت جمهوری اسلامی باقی نمی‌گذارد. ببینیم قانون مدنی در مورد این نکات چه می‌گوید:

"مزارعه، عقدی است که به موجب آن احد طرفین زمین را برای مدت معین بطرف دیگر میدهد که آنرا زراعت کرده و حاصل را تقسیم کند (قانون مدنی ماده ۵۱۸). در عقد مزارعه حصه هر یک از مزارع (یا در واقع مالک یا مالک منافع) و عامل (مثلاً اجاره دار یا آنکه زمین را به زرع گرفته) با یدیه نحو اشاعه از قبیل ربع یا ثلث یا نصف و غیره متعین گردد و اگر به نحو دیگر باشد احکام مزارعه جاری نخواهد شد (قانون مدنی ماده ۵۱۹).

آنچه از این قانون و دیگر موااد مطروحه در قانون مدنی بر میآید، سهم بری مالک زمین (یا مالک منافع یا بعنوانی از عناوین، از قبیل ولایت و غیره) (ماده ۵۲۲) است بدون آنکه روی زمین کاری انجام دهد، یعنی دقیقاً همان بهره مالکانه با استثماری روستائیان به جیب زمینداران و مالکین سرازیر میشود، چرا که این قانون صراحتاً دارد: "عامل می‌تواند برای زراعت اجیر بگیرد" (ماده ۵۴۱) - این اجیران چه کسان می‌هستند؟ هیئت موسس بنیاد خدمات مالی؟ مسلمانان، اجیرها آن توده‌های زحمتکش روستائی اند که برای گذران معیشتشان مجبورند به کار مزدوری تن در دهند.

و به همین ترتیب مضاربه و مشارکت و... بر اساس همین قانون مضاربه چیزی نیست مگر بهره تجارت که به صاحب سرمایه برگردانده میشود و در واقع فرع پول است که مضمونش دیگر بر همگان روشن گردیده، و اینجاست که محتوای واقعی بازرگانی شروع "ادعائی آقایان روشن می‌گردد. تعجب نیز ندارد، وقتیکه "مالکیت مشروع"، پوششی برای دفاع از مالکیت خصوصی سرمایه داران و زمینداران باشد، بدیهی است بازرگانی شروع هم چیزی جز بهره تجارت نخواهد بود و در ثانی هنگامی که آقای عربشاهی می‌گوید: "بنیاد در صنایع کوچک و کارخانجات ملی نشده، مشارکت کرده و مواد اولیه را مهیا خواهد کرد"، از مشارکت چه درکی دارد؟ آیا مشارکت در بنیادی این چنین، غیر از تعیین سود و زیان دویا چندتن است که با سرمایه‌های معین در زمانهای مشخص بازرگانی

پیداخته‌اند؟ ما فقط از این عالیجنابان محترم

پیداخته‌اند؟ ما فقط از این عالیجنابان محترم

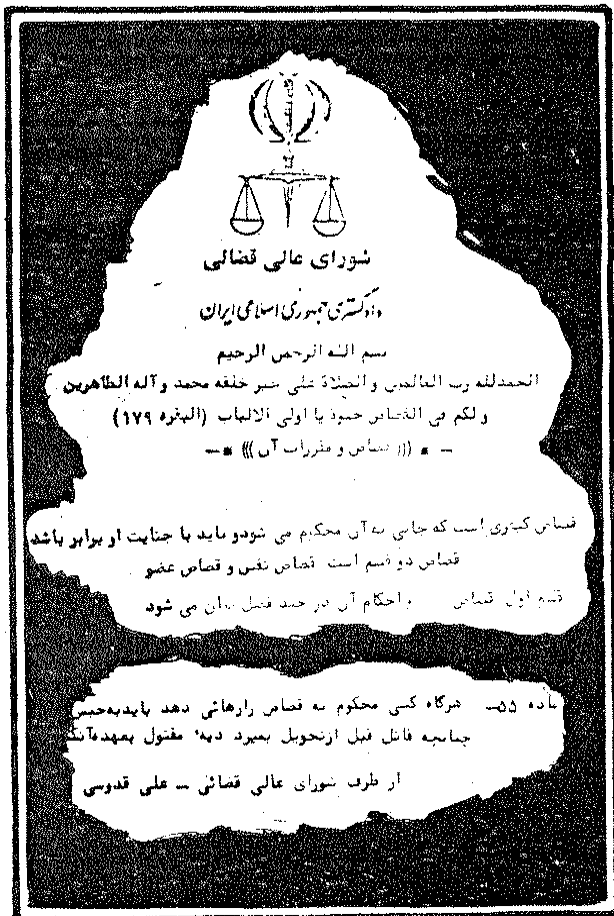
ود ویژه که قسمتی از دستمزدها کارگران است پرداخت باید گردد



“لایحه قانونی قصاص” قانونی بغایت ارتجاعی و توطئه ای علیه ابتدائی ترین حقوق توده ها

بقیه از صفحه ۱

ما از مضمون همه این “قوانین تازه ای که تدوین شده” و از آشی که برای مردم پخته شده و با بدبختی مجلس بخورد مردم داده شود، بی اطلاعیم. اما فعلاتوانسته ایم به یکی از دست پخت های شورایی عالی قضائی بنام “قانون قصاص” دسترسی پیدا کنیم. این لایحه که در ۵۵ ماده تنظیم گردیده و عنوان “قانون قصاص” را دارد ظاهرا با یکدیگر جایگزین “مبحث قتل” در قانون مجازات بشود.



یک نگاه سطحی باین لایحه آشکار میسازد که سردمداران جمهوری اسلامی خیال دارند یک مشت قوانین بغایت ارتجاعی قرون وسطائی را در ربع آخر قرن بیستم به مردم تحمیل کنند. از آنجائیکه با تصویب چنین لایحه ای ابتدائی ترین حقوق انسانی توده ها در معرض خطر بزرگی قرار میگیرد لازم دانستیم با بررسی مفاد این لایحه قانونی توده ها را در جریان این توطئه خطرناک قرار دهیم. آنچه در نظر اول جلب توجه میکند تفاوت اساسی است که این لایحه با تمام قوانین جزائی دوران کنونی دارا می باشد. امروزه تقریبا در تمام کشورهای جهان - اعم از سرمایه داری و سوسیالیستی - قتل و

جرم عمومی تلقی میشود نه خصوصی، یعنی اساسا برای این است که وقوع این جنحه و جنایات نظام اجتماعی را بر هم زده و بر مدعی العموم است که بیان رسیدگی کند. پس اولین نتیجه ای که از این تلقی حاصل میشود اینست که در مجازات ها مسئله انتقام کشی خصوصی مطرح نباشد. اما در دوران فئودالی و بخصوص در جوامع عشیره ای وقتی قتل اتفاق می افتد قاتل را به قبیله مقتول تحویل میدادند و خویشان و بستگان مقتول یا “ولیات دم” برای آنکه انتقام مقتول را از قاتل بگیرند یا او را بهمان ترتیبی که مقتول کشته شده بود بقتل میرسانند یا اینکه با گرفتن خونبها (دیه) او را آزاد میکردند در اینجا اصل تسکین حس انتقام کشی بستگان مقتول یا “ولیات دم” منظور نظر بود، نه جامعه. اما فلسفه مجازات ها در نظام بورژوازی در ظاهر تا مین منافع عموم! و “اصلاح جامعه” است. بنا بر این “جامعه” باید تشخیص دهد که چه مجازاتی برای قاتل مهمترین عمل است و در این رابطه است که چه بسا برای “اصلاح جامعه” کشتن قاتل یا ضارب صلاح بوده و یا ضرورتی نداشته باشد. واضح است که در اینجا منظور از “جامعه” و “اصلاح جامعه”، تا مین منافع طبقه بورژوازی و حفظ جامعه بورژوازی مورد نظر قاتل و ننگزار در تدوین قوانین است. اما باید توجه داشت تفسیر ما هیت جنحه و جنایت از جرم خصوصی به جرم عمومی از دیدگاه تاریخی تحولی در حقوق بود. این مسئله جهشی در جهت پیشرفت بود زیرا خصوصی دانستن جرم جنحه و جنایت در جوامع ماقبل سرمایه داری باعث میگردید که مجازات آنها و لاجنبه ستمگری طبقه تیش در نهایت شدت بوده و ثانیبا با شکل وحشتناکی توسط صاحبان زور و ورع علیه توده های تحت ستم اعمال گردد.

نگاهی به لایحه قانونی قصاص که عینا از شرع گرفته شده و توسط شورایی عالی قضائی تدوین گردیده آشکار میسازد که در اینجا اصل خصوصی بودن مجازات جایگزین اصل عمومی بودن آن گردیده است. مقوله لایحه قانونی قصاص مقدار قصاص را چنین تعریف میکند:

“قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم میشود یا بدبا جنایت او و برادر او باشد و ماده ۱ آن چنین حکم میدهد: “قتل نفس اگر عمدی باشد موجب قصاص است و

ولیات دم (بستگان مقتول) میتواند با اذن ولی مسلمین یا نماینده او قاتل را با رعایت شرایطی که خواهد آمد مدینه قتل برسانند” (تاکید و پراستزماست) متن ماده ۱ لایحه قانون قصاص بر آنچه گفتیم، یعنی خصوصی دانستن جرم قتل، آنچنان صراحت دارد که احتیاجی به توضیح بیشتر ندارد. اما مسئله اینجاست ختم نمیشود. این قانون نه تنها حس مجازات را به مدعی خصوصی میدهد بلکه درست مثل دوران عتیق حق اجرای حکم را هم با و محول میکند. ماده ۱۵۲ این لایحه چنین است:

“ولی دم (بستگان مقتول) بعد از اذن ولی مسلمین و نبودن محدود (مانع) و فساد نمیتواند شخصا قاتل را قصاص کند چنانچه نمیتواند در اجرا قصاص وکیل بگیرد” (تاکیدها و پراستزماست)

با تصویب این لایحه توسط مجلس، بنظر میرسد شغل جدیدی بنام محسری قصاص (میر غضب یا جلاد) بوجود می آید که اگر بستگان مقتول بخواهند برای اجرای قصاص وکیل بگیرند از این “جلادان” حرفه ای استفاده کنند! و بدیهی است که این جلادان باید در شمشیر زدن و قطع کردن استاد باشند. زیرا ماده ۱۵۱ این لایحه اعلام میدارد:

“قصاص با آلت کند و غیر برنده که موجب آزار جانی باشد جایز نیست بلکه باید با شمشیر تیز گردن او را بزنند یا...”

قانون مجازات عمومی ایران و آئین دادرسی کیفری که پس از انقلاب مشروطیت بجای مقررات شرعی تدوین شد برای هرگونه جرمی دو جنبه قائل شده است که جنبه اصلی و اساسی آنرا بخاطر آنکه نظم عمومی را مختل کرده جنبه عمومی آن دانسته است، اما جنبه خصوصی آن جبران خسارت شاکی خصوصی (از جهت ضروریان مالی) را در بر میگیرد. و از این جهت است که مسئولیت رسیدگی و تعقیب مجرم بعهده مدعی العموم یا دادستان گذاشته شده است و گذشت شاکی خصوصی از حق خودبسیز تعقیب امر جزائی را متوقف نخواهد کرد. بلکه تنها موجب تخفیف در مجازات خواهد شد. مواد ۲ و ۳ و ۸ آئین دادرسی کیفری ناظر باین موارد بوده و بخش عمده این قانون در توضیح وظایف بازپرسها و دادستان است که بنام مدعی العموم اقدام میکنند.

حال جمهوری اسلامی میخواهد

بقیه در صفحه ۱۲

پیر و زباده مبارزات ضد امپریالیستی - مکرانیک خلقهای ایران

لایحه قانونی قصاص...

بقیه از صفحه ۱۱

قوانینی را جانشین قوانین فعلی کند که یک گام نسبت به قوانینی که در انقلاب مشروطه به تصویب رسید، عقب مانده تر و ارتجاعی تر است و پرواضح است که مردم ایران نمیتوانند پس از ۲۵ سال که از انقلاب مشروطیت میگذرد، بعبوض تصویب قوانین مترقی تر، جا بگزینی قوانین ارتجاعی و عقب مانده تری را بجای قوانینی که پس از انقلاب مشروطیت تدوین گردید، تحمل کنند. در زیر به جنبه های دیگر این لایحه ارتجاعی و ناقص حقوق توده ها می پردازیم.

زن مساوی است با نصف مرد

اگر تا کنون دولت جمهوری اسلامی سعی کرده است بر اجزای مختلف متعددیکه نسبت به زنان روا داشته پورده سائری از توجیها ت "مکتبی" کشیده و آنرا کتمان کند. و اگر رهبران جمهوری اسلامی و حتی کسانی که بعنوان نماینده زنان در مجلس شورای سنگ زنان را به سینه میزنند پیوسته این امر که در جمهوری اسلامی زنان ارزش معادل نصف مردان دارند را، منکر میشدند یا یک با اجرای این لایحه قانونی مسئله آنچنان روشن است که حرفی برای توجیح نخواهند داشت. ماده ۵ لایحه قانون قصاص

میگوید: "هرگاه مرد مسلمان عمداً زن مسلمان را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را بپردازد و بیاماده ۷ مقرر میدارد:

"... و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد را بپردازد...".
است که اگر مردی زنی را بکشد عم از آنکه زن مسلمان و یا غیر مسلمان باشد در صورتی مرد قاتل قصاص میشود که بستگان زن مقتول میلی معادل نصف خونبهای (دیه) یک مرد را قبل از قصاص بپردازند. یعنی اگر مثلاً خونبهای یک مرد بنا بر مقررات شرع ۸۰ شتر باشد، بستگان زن مقتول باید ۴۰ شتر به قاتل بپردازند و یا قادر باشند و را قصاص کنند! باید دید که تنظیم کنندگان این لایحه؛ شورای عالی قضائی (بهشتی، موسوی اردبیلی، قدوسی...) چگونه یک چنین ستم آشکاری را نسبت به زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل میدهند توجیح

میکند؟! چگونه با این وقاحت ارزش زن را به نصف مرد تقلیل داده اند در حالیکه همیشه از نقش پراهمیت آنان در قیام و پیروزی بدست آمده داد سخن داده اند! شاید اینرا هم دلیلی بر اعتقادشان به "حرمت" زن تلقی میکنند؟! اما تنزل موقعیت زن در این لایحه بهمین جا خاتمه نمی یابد. در این لایحه آنجائیکه مسئله ارزش حقوقی زن و مرد در دادرسی مطرح میشود، لایحه قانونی قصاص موقعیت زن را از نصف مرد هم تنزل داده تا جائیکه برای شهادت در قتل عمد، شهادت زن را به هیچ می شمارد. ماده ۳۳ که راههای ثبوت قتل عمد در دادگاه را ذکر میکند وقتی به مسئله شهادت اشاره میکند چنین می گوید:

قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود (تا کیدها از ماست) اصرار بر نایده گرفتن حقوق زن آن چنان بردیدگاه شورای عالی قضائی مستولی بوده است که حتی با شکل عطی مقرراتی که وضع کرده اند توجیه نداشتند اند مثلا در نظر نگرفته اند اگر در محلی قتل واقع شود و فقط زبان حضور داشته باشد یا توجه با اینکه شهادت زنان در مورد قتل عمد مسموع نخواهد بود، چگونه میتوان قتل عمد را اثبات و قاتل را شناسائی کرد؟! در رابطه با تنزل موقعیت زن، لایحه

قصاص با زهم موارد بسیاری دارد و از جمله در ماده ۱۶ چنین آمده است: "هرگاه پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمیشود بلکه... و غیر پدری جد پدری ما ننند دیگران قصاص میشود. یعنی عدم انجام قصاص در مورد مادر معذوق داشته و مقررات قصاص درباره او اجرا خواهد شد! در اینجا هم برای پدر و جد پدری قاتل فرزند معافیت از قصاص پیش بینی شده در حالیکه برای مادر چنین حقی قائل نشده است. این امر بدیهی است که اگر حقی مطرح باشد، مادر نسبت به فرزند دارای حق بیشتری است تا جد پدری!

همچنین در ماده ۲۳ کشته شدن زن توسط شوهر (در حالیکه در حال زنا بوده باشد) معاف از قصاص تلقی شده و اصولاً کشتن زن زانی جایز دانسته شده. عین ماده چنین است:

"اگر شوهر کسی را در حال زنا یا زن خود ببیند که کشتن هزدوی آنها برای (خصوصی) شوهر جایز است و در همه این موارد قصاص قاتل جایز است جوازی که این قانون به شوهر برای قتل میدهد بسیار ظالمانه و برخلاف اصول حقوق بشر است، بخصوص که این جواز یک طرفه و فقط برای مرد است. در عین حال این جواز و همچنین معافیت از مجازات قاتل موجب سوء استفاده های بسیاری میشود.

کشتن افراد به بهانه دشنام به
پیغمبر اکرم و... جایز است

لایحه قصاص ضمن بر شمردن مواردی که قصاص اجرا نخواهد شد، قتل ناشی از دشنام دادن به "پیا میراکرم، یا اشمه اطهار و یا حضرت زهرا (ع) را هم از مواردی دانسته که قصاص قاتل جایز نخواهد بود. ماده ۲۳ ناظر بر این مورد است. با توجه با اینکه هر کس نمونه های بسیاری را سراغ دارد که افراد به اتهامات واهی و تنها با یک گزارش پاسدار یا ما مورکمیت دستگیر و حتی اعدام شده اند، از هم اکنون میتوان گفت که این قانون حکم قتل سهل و ساده ای را صادر کرده است. با وجود این ماده از قانون قصاص دیگر کار ما مورین مسلح رسمی و یا غیر رسمی و باندهای سیاه "مکتبی" بمراتب آسان تر شده که هر کس را که بخواهند از بین ببرند با یک برجسب "دشنام به پیا میراکرم... کرا را و راسا خته و مطابق ماده ۲۳ این قانون نگرانی هم از مجازات نداشته باشند!

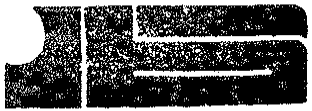
حقی که باید به اعضای شورای عالی قضائی این "مدافعان حقوق مردم" برای تدوین چنین قوانینی جایزه داد!!

لایحه قصاص فائزین مسلمان شهروندان غیر مسلمان را مستحق قصاص نمی داند!

هر چند لایحه قصاص از کشتن یک غیر مسلمان ذکری بمیان نیاورده؟ است ولی استنباط از مواد این قانون که همه جا از مسلمان نام می برد میتوان استنتا کرد که قصاص فقط در مواردی است که یک مسلمان، مسلمان دیگری را بقتل میرساند و یا مطابق ماده ۷ کا فردی عمداً فردی دیگری را بکشد. اما مقررات موجود در فقه شیعه که این قانون هم عیناً از آن گرفته شده است، صراحت دارد که اگر مرد مسلمان، کا فردی ذمی - یعنی یکی از پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زردشتی - را بقتل برساند، کشته نخواهد شد بلکه تنها باید میلی (مثلاً معادل ۸۰۰ درهم نقره) به بستگان مقتول (ولی دم) بپردازد. بنظر میرسد که تنظیم کنندگان این لایحه بخاطر جلوگیری از بیابروشی بیشتر این مورد را صراحتاً و مشخصاً در متن لایحه نیاورده ولی بهر حال چنین حکمی در مورد افراد غیر مسلمان که مقتول واقع شوند از مقررات قانون قصاص بطور ضمنی قابل استنتاج است. با این ترتیب ملاحظه میشود چگونه شهر وندان غیر مسلمان ما، ایرانیان درجه ۲ بحساب آمده و چگونه قانون تنظیمی شورای عالی قضائی سرنوشت این هموطنان را صرفاً بخاطر داشتن دینی سواي اسلام ملعبه دست جنایتکارانی کرده است که از فردای تصویب این لایحه بدون ترس از مجازات اقدام به کشتن آنان کنند!

بقیه در صفحه ۱۳

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



لایحه قانونی قصاص بطور
بارزی خصلت طبقاتی
دارد.

در این لایحه همه چیز بدرجه شروت قاتل و بستگان مقتول بستگی دارد از آنجائیکه در لایحه قصاص جرم و مجازات جنبه خصوصی دارد به جنبه عمومی آن اهمیت چندانی داده نمیشود. بنا بر این همه چیز در اختیار بستگان مقتول (ولی دم) بوده و تصمیم گیری آنها به وضع مالی آنها بستگی دارد. در اینجا شاکی خصوصی است که بسته به پولداری و بی چیزیش تصمیم بگیرد. مثلاً در مورد ماده ۵ موضوع قتل زن مسلمان بدست مرد مسلمان چون بستگان مقتول (ولی دم) یا پدینف خونبهای مرد را بپردازد تا بتواند وراقصاص کند، لذا در صورتیکه امکان مالی نداشته باشد که خونبها را بپردازد عملاً قاتل از مجازات معاف خواهد شد. و با مطابق ماده ۸ این قانون بستگان مقتول (ولی دم) بازای کشتن یک فرد، در صورتیکه چند نفر در آن شرکت داشته باشند، میتواند حکم به قصاص همه آنها بدهد مشروط باینکه قادر باشد ما به التفاوت خونبهای آنها را بپردازد. و بدیهی است اگر پولدار نباشد عملاً همه آنها معاف از مجازات خواهند بود. ماده ۸ عیناً چنین است: "هرگاه دو یا چند مسلمان مشترکاً مرد مسلمان را بکشند ولی دم میتواند با اذن ولی مسلمین یا نماینده او همه آنها را قتل دون فریاد یا بدیهه بپردازد و نصف خونبها (دیه) بپردازد و... بهمین نسبت در افراد بیشتر."

تصور کنید در یک روستای بی مالک با تعدادی از دهقانان درگیر بود این میان مالک کشته شود. با وجود این قانون بستگان مالک (که از شروت کافی برخوردارند) میتوانند دهقان را با پرداخت ما به التفاوت خونبهای آنان، به قصاص یک مالک قصاص کنند!

از سوی دیگر این امر در مورد قاتل هم صادق است. در صورتیکه قاتل خود ثروتمند باشد میتواند با پرداخت خونبهای مناسبی بستگان مقتول (اولیای دم) را به عفو ترغیب کند و چون مجازات و یا عدم مجازات کلاً در دست آنهاست قاتل میتواند از مجازات معاف شود. در حالیکه اگر او فردی فقیر باشد قصاص او حتمی است.

ما در این مقاله به رئیس سنائلی که در لایحه قانونی قصاص وجود دارد اشاره کردیم و به جزئیات آن نپرداختیم. خواننده میتواند از همین مختصر به ابعاد و حشتناک ارتجاعی بودن این قانون که ابتدائی ترین حقوق توده ها را پایمال کرده و روی قوانین قرون

"لایحه قانونی
قصاص"...

بقیه از صفحه ۱۲

وسطی و تسلط ارباب کلیسا و انگلیزیسیون را سفید کرده، بی ببرند. اگر تدوین لایحه قصاص نمایانگر تسلط یکسری مقررات ارتجاعی است و از این نظر در مقابل توده ها قرار میگیرد اما این تنها بخش کوچکی از واقعیت است. حقیقت اینست که در این چنین قانونی در شرایط کفونی توطئه خطرناکی را بدنبال دارد: ما دیدیم که چگونه ماده ۲۲ کسی را که به "پیا میرا کرم" دشنام ده مستحق قتل میدانند و کسی که او را بقتل میرساند معاف از قصاص میدانند.

آیا گنجانیدن چنین ماده ای در شرایط کنونی که فاندانهای حزب الهی تحت رهبری سردمداران رژیم هر روز به نیروهای انقلابی و مارکسیستها حمله میکنند جوازی برای قتل و جرح آنان و معافیت از مجازات نیست؟

نیروهای راستین مسلمان مذهبی میدانند که نیروهای کمونیست به معتقدات مردم احترام میگذارند و هیچگاه بخود اجازه نمیدهند به معتقدات مردم توهین کنند. چه رسد دشنام دادن به "پیغمبر اکرم و...". اما مردم بارها و بارها دیده اند که چگونه نیروهای ضد مردمی و فاندانها حمایت نیروهای مسلح تحت عنوان مسخره بی دین و منافق به نیروهای انقلابی حمله کرده اند و تا سرحد کشتن آنان پیش رفتند و اکنون با تدوین این مقررات، چریک خویی بدست آنان میدهند تا با برجسب دشنام اقدام به از بین بردن آنان کنند. یا اینکه با زنده کردن مقررات شرعی درباره کشتن افراد غیر مسلمان توسط مسلمانها و عدم اجرای قصاص درباره قاتل و تنهها پرداخت مبلغی بابت خونبها، اعلام خطر دیگری است بر حاکم شدن قوانین تبعیض نژادی و مذهبی که با قربانیان آن نیروهای مترقی و انقلابی اقلیتهای ملی - مذهبی ایران خواهند بود. نکته مهم دیگری که با زدن اینجانب توجه میکند و خطری را متوجه نیروهای انقلابی جامعه میسازد ملاک تشخیص مسلمان و غیر مسلمان است. اکنون همه چیز، ریش و قیچی، در دست حاکم شرع است که آنان چگونه تعبیری از مسلمان داشته باشند زیرا بطوریکه می بینیم آنان نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق را منافق دانستند و مسلمانان نمیدانند و حتی پارافراتر گذاشته که: "منافقین از کفار بدترند" و

و بدین ترتیب می بینیم که دامنه غیر مسلمان قلمداد کردن مردم بسیار وسیع و گسترده است و با تصویب قانون قصاص آش خوبی برای آنها پخته شده است! لازم به یاد آوری است که این قانون مقدمه و پیش در آمد قوانین دیگری از نوع قصاص عضو، حدود و تعذیرات است که دست بردن، کور کردن، سنگسار کردن، در کبسه کردن و ازبالی کوه به بائسن پرت کردن (که نمونه های آن بدستور حاکم شرع کرمان "فهم" اجرا شده است) خواهد بود. این هنوز از نتایج سحر است! ما به تمام نیروهای انقلابی، مترقی و دمکرات جامعه، به تمام سازمانهای دمکراتیک، سازمانهای حقوقی و زنان و همه مردم ایران هشدار میدهم که باید با تمام توان علیه لایحه قصاص و نظایر آن به مقابله جدی برخیزند و مانع تصویب آن از مجلس گردند. رژیم جمهوری اسلامی با بد فهمی مردمی که رژیم ضد خلقی شاه را سرنگون کردند. مسلم است که زیر بار همین قوانین بغایت ارتجاعی و قرون وسطائیی نخواهند رفت.

آزادی معاملات مسکن...

بقیه از صفحه ۱۰
و از آنجا که مساله شناسائی و مصادره خانه های خالی منتفی شده بود ما حیوان مسکن باین دفتر جهت معرفی منازل خالی خود مراجعه نکردند ما عمل کرد این دفتر در مدت شش ماه حیات خود، با شرایطی که در سخنان شاد رخ سرپرست دفتر معاملات مسکن آمده، گاملا روشن است. او با صراحت تمام اولویت را، داشتن نقدینگی و وام مسکن میدانند. با این شرط، آنچه مسلم است کارگران و زحمتکشان مشمول نخواهند بود چرا که حتی مخارج روزانه زندگیشان سختی تا مین میگردد و بنا بر ادعای رئیس دفتر معاملات مسکن چون نقدینگی ندارند محکومند همچنان در آلونک ها، کیرها، زاغه ها و گودها زندگی کنند. اما اینکه همین لایحه نیز لافومی گردد و مساله، معاملات آزاد دموردتصویب مجلس شورای اسلامی قرار میگیرد دقیقاً باین دلیل است که زکود نسبی در معاملات ارضی و مستغلات به سودهای سرشار زمین داران و ما حیوان! ملاک و مستغلات صدمه زده است و طبیعتاً رغبتی به سرمایه گذاری مجدد نشان نمیدهند و از آنجا که دولت نیز حافظ منافع آنان است بنا تصویب لوایح جدید بنا بر سخنان آقای گنابادی دولت بخش خصوصی را تشویق به سرمایه گذاری خواهد کرد تا پیش از پیش به غارت زحمتکشان شدت بخشد و توده ها به تجربه خواهند آموخت که تمام می هیا هو و تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی در مورد مسکن هوج و تو خالی و عوام فریبی بوده است و بخوبی درمی یابند که در پشت جملات فریبنده و لوایح فوق چه مقاصد پنهان شده است.

اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟



خودت صرفه جوئی کن " صدای یک پسر جوان از بالای اتوبوس آمد که "آقا جنگ بیهانه شده مگر قبل از جنگ وضع ما بهتر بود؟" همه سرها به طرف پلکان اتوبوس چرخید و کمی سکوت ایجاد شد که با گریه یک پسر بچه ۶-۵ ساله به عقب نگاه کردم ما در بچه‌ها دزد: تو دیگه خفه شو (و یک تکه نان بهشتداد) اتوبوس که نمی‌یاد، قندک نیست چای که نیست پس ما انقلاب کردیم برای چه؟ هزار کشته و زخمی دادیم ما هنوز هم بدبختی کم نشده، بلکه زیاد هم شده" حاج خانم ۵۰ ساله‌ای که جلونشسته بود خطاب به ما در بچه گفت: "خانم ما برای شکم انقلاب نکردیم" می‌آید اشاره‌ای به بچه‌اش کرد و گفت "آقا ما برای شکم انقلاب کردیم چون در زمان شاه هم اسلام و دین داشتیم حالا که تازه دیندار نشده‌ایم. " حاج خانم با عصانیت گفت "هر کسی که می‌گفتند و شکر نیست خدا انقلاب است" ما در بچه نیم خیز دستش را دراز کرده و با صدای بلند داد زد: "خدا انقلاب اون شوهر شکم کنده‌هاست همین اونها هستند و شماها هستی که در همه جا دم پیدا کردید و هوی می‌گید جنگ است آخر ما جنگ می‌خواهیم چکار جنگی که برای ما بدبختی بیارد میخواهیم چکار؟ یک پیر مرد که به نظر می‌آمد کاسیکار باشد و داشت چرت می‌زد با صدای داد و بیداد می‌خود آمد و گفت: "طلوات" ولی هیچکس گوش نکرد و بحث ادامه یافت. مرد ۳۰ ساله زحمتکشی که نزدیک من ایستاده بود گفت "عجب وضعی شده‌ها داش تا می‌خوام حرف بزنی تو می‌زنی تو ده‌نم" اون یکی می‌خواد حرف بزندی من می‌زنم تو می‌دهنش در حالی که میدونیم که چه خبره؟! و میدونیم که همه با بدبختی داریم زندگی می‌کنیم تا کی با بدسر خودمون و دیگران کلاه بگذاریم تا کی با بدخودمون را فریب بدهیم "بهنش گفتیم "اما ما که خودمان سر خودمان کلاه نمی‌گذاریم با بدبینی می‌خواهیم سر ما کلاه بگذارند" مزد لیخنه تلخی زد و جواب داد "بدنمیگی مثلثات حالا نتوانسته‌ایم تو محل خودمان یک شورای محلی بزنی چون یک حاجبی بازاری است که ما هر کس را انتخاب می‌کنیم می‌گوئید بی‌دین است یا مجاهد

یا فدایی، و اسلامی‌دونی این دولت تمام جوانان با معلومات را از مردم جدا می‌کند "در همین حال توجه من طرف صحبت به گروهی که دم در اتوبوس جمع شده بودند و بحث میکردند جلب شد مرد جوانی که روزنا مه تو دستش بود (نتوانستم بفهمم که چه روزنا مه‌ای است) می‌گفت: "خوب با بدت حمل کنید دولت هم‌نداره، از کجا بیا ره بدهد به مردم" یک پسر جوان که کت سبز سربازی و شلوار لی پوشیده بود گفت "نداره پس چرا و از کجا اینقدر اسلحه می‌خرد، از حلقوم این باریها و کارخانه داران میلیونری که بیرون" در این موقع اتوبوس در ایستگاه ایستاد یک زن مسن خانه‌دار در حالی که پیاده میشد اشاره کرد به جوان که "من که سواد ندارم و از این کارها سردر نمی‌آورم ولی میدونم همه این بدبختی‌ها زیر سر این آخوندها است" من می‌خواستم بگویم همه‌شان سر تا پای یک گریا سندی مگر همان دولت موقت نبود که کارگران بی‌کار را به گلوله بست و مگر بنی‌صدر تا حالا چه کرده است، که قبل از آنکه دهان با زکیم صدایی خشن و رسا از بین جمعی که بحث میکردند بلند شد که "خوب درسته اگر نیا شد آدم با بدت حمل بکنی ولی نه اینکه برای منی که پول ندارم نیا شد و برای آنکه پول دارد بیا شد اگر نیست خوب برای همه نیا شد" مرد روزنا مه بدست گفت: انشاء الله بنی‌صدر را اگر بذارن همه کارها را درست می‌کنند دعا کنید ارتش پیروز بشه انگار رئیس جمهوری پیروز شده" به اطرافم نگاه کردم تا زن جنگ زده را ببینم که دیدم نیست گویا همان اوایل پیاده شده بود و من متوجه نشده بودم همان مرد ۴۰ ساله‌ای که روی گونی آخر اتوبوس نشسته بود هما نظر که گونی را کف اتوبوس می‌کشا بند که ببرددم در اتوبوس می‌گفت "من یکی که دعا نمی‌کنم چون نمی‌دانم این چه معنائی است که شاه هم به این ارتش زیاده می‌رسید اینها هم همین کار را می‌کنند مثلاً می‌گویند شاعر بدهید که ارتش فدای ملت، ملت فدای ارتش اما موقع گران‌ترین ۱۲۰۰ ریالی را بیه برادر ارتشی ۲۷۰۰ ریال میدهند" اتوبوس به آخر خط رسیده بود همه داشتند پیاده میشدند اما بحث داغ شده بود و هر دو نفری در حال بحث پیاده می‌شدند، رفتم توپیا ده رو کنا ره‌مان مرد ۳۰ ساله طرف صحبتیم در اتوبوس که اینجا کنا رسه نفر دیگر ایستاده بود یکی از آنها که جوان زحمتکشی بود داشت می‌گفت "هر چه بدبختی است سرما طبقه پائین می‌آید همه‌اش این سرما به داران سرما می‌آورد در انقلاب و در جنگ همه‌اش ما کشته دادیم و اما اینها به حساب خودشان می‌گذارند ولی من هنوز هم توهمان کفاشی دارم پادوئشی می‌کنم" دیگری گفت "راهیمانی‌ها را ما کردیم اعتصاب را ما کردیم ولی حالا یک عده دیگه، ما حجاب اختیار شده‌اند والله نمیدانم تا حالا که هیچکدام به نفع ما کاری نکردن".

وضع جامعه غیرعادی است. صف‌های طولانی، کمبود، گرانی، بیکاری، نبود مسکن و مصائب جنگ توده‌ها را بشدت معترض کرده است و اعتماد داناگانها نه‌ای که در گذشته نسبت به رژیم وجود داشت سرعت جای خود را به بی‌اعتمادی میدهد این بی‌اعتمادی بوضوح در سخنان و برخوردهای مردم در صف، اتوبوس، مغازه، کوچه و خیابان، انعکاس می‌یابد آنچه که بین مردم رد و بدل میشود و یا اتفاقاتی که در گوشه و کنار شهر رخ میدهد حاکی از آن است که شرایط مادی و ضرورت‌های عینی احتیاج نا پذیر که باعث بروز انقلاب شدند همان ادا مه‌دارند و مبارزات توده‌ای روز بروز گسترش بیشتری می‌یابد.

گزارشی که در زیر آمده است با زتاب مجموعه گزارشاتمی است که در فقا با حضور فعال خود در بین مردم تهیه کرده‌اند.

با لاجرم اتوبوس نازی آبا در سید و بعد از زکلی‌تنه خوردن سوار شدیم اتوبوس به قدری شلوغ بود که جای سوزن انداختن هم نبود مرد ۴۰-۵۰ ساله‌ای که یک گونی با خود داشت و انتهای اتوبوس روی آن نشسته بود گفت "آقا جنگ دیگه با بدت حمل کرد یک کمی جمع و جور تر اگر بیاستند جای همه میشه" درست مثل اینکه کبریت به باروت نزنند در دل مردم شروع شد از هر طرف صدایی می‌آمد ما زن زحمتکش ۳۰ ساله‌ای که چادر سرداشت و ایستاده بود با خشم بیشتری حرف می‌زد "آقا چرا ما فقط با بدت حمل کنیم، شوهر مردم جنگ آبا دان کشته شد گفتند جنگ من و فرزندم آواره شدیم گفتند جنگ با بدت حمل کرد، هر چه به مجلس رفتیم، هر چه به پهلوی مقامات رفتیم هیچکس ترتیب اش سر نمی‌دهد و می‌گویند اینکه چیزی نیست، ما هزارها شهید داده‌ایم با بدت حمل کرد اما برای خودتون که توخونه‌های گرم و راحت نشسته‌اند جنگ نیست" دوسه نفر از مسافرین گفتند خانم عیبی ندارد درست میشه. را ننده اتوبوس گفت "چی عیبی نداره خیلی هم عیب داره مثلاً خود رئیس خط، به ما می‌گفت که حرف از اضافه حقوق و اینها نزنین جنگه با بدت صرفه جویی کنید یکی نبود دیگه خوب اگر جنگه که چرا از دو جا حقوق می‌گیری خوب

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

دهها هزار نفر از مراسم ۲۳ دی استقبال کردند

علیرغم همه تلاشهایی که از سوی نیروهای ضدانقلابی و هواداران حزب جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری مراسم ۲۳ دیماه صورت گرفته دهها هزار نفر از دعوت "کمیته برگزارکننده مراسم ۲۳ دی" استقبال کردند و یکبار دیگر مصمم و قاطع به دفاع از آزادیها پرداختند و در مقابل سیاستهای ضددمکراتیک حاکمیت ایستادند.

این مراسم که بمنظور اعتراض به بستن دانشگاهها و بزرگداشت روز ۲۳ دی سال ۵۷ از سوی کمیته مزبور تدارک دیده شده بود مطابقت با مقررات جمهوری اسلامی نداشته است. اهدای آن توسط دهها هزار انقلابی پرشور و مردم آگاه و مبارز، در سراسر شهرها شایع یافت. مراسم بصورت تظاهرات در دو نقطه (چهارراه مصدق - انقلاب و چهارراه کارگر - جمهوری) ادامه یافت. استقبال پرشکوه نیروهای مبارز و هموطنان آگاه، مشت محکمی بر دهان یاوه گویان بود و برای نیروهای انقلابی یک پیروزی!

برگزاری این مراسم نشان داد که چه کسانی مدافع دمکراسی هستند و چه کسانی بدروغ خود را آزادیخواه و دمکرات قلمداد میکنند. اطلاعاتی که در دفتر رئیس جمهور بخوبی نشان داد که وقتی پای مخالفت واقعی و اعتراض جدی در میان باشد، آقای رئیس جمهور لیسرا لدرکنار و متحد سایر سران جمهوری اسلامی است و فقط برای فریب توده ها که وسیله از خفقان و سلب آزادیهای دمکراتیک دم میزند.

همچنین در این روز حزب توده و "کمیته مرکزی" بیش از پیش تسلیم طلبی خویش را نشان دادند و برای مردم روشن شد که این نیروها حتی دیگر کوچکترین مخالفتی با سیاستهای دولت ندارند و گامی برای تسلیم شدن ندارند.

این مراسم چشم اندازی از صف بندیهای نیروهای انقلابی و ضدانقلابی را نشان داد. ما در شماره بعدی توضیح و بررسی بیشتر این حرکات خواهیم پرداخت.

از نظر آیت الله خمینی...

بقیه از صفحه ۱

یک تا زیاده بر کسی زده بشود برخلاف مصالح اسلامی من از آنها بری هستم.

بررسی این بخش از سخنان آیت

الله خمینی بدان جهت قابل اهمیت

است که ایشان موضع صریح و قاطع

خود را در قبال مسائل مهمی چون

مصادره سرمایه سرمایه داران توسط

کارگران، مصادره انقلابی زمینهای

زمینداران بزرگ توسط دهقانان

فقیر، و مصادره خانه ها و آپارتمانهای

خالص سرمایه داران و فراریان وطن

فروش توسط توده های زحمتکش شهری

روشن می کند. زیرا آنچه که آیت الله

خمینی بر آن تاکید دارد، و بعنوان

"غصب" مصادره و غیره و ذالک از

آن نام می برد، همانا بیانگر

درگیریها و مبارزاتی است که از مدت ها پیش

میان کارگران و زحمتکش شهریه

سرمایه داران و مبارزات دهقانان

و زحمتکش روستا علیه زمینداران

وجود داشته و خود را بصورت مصادره

انقلابی زمینها، خانه ها و آپارتمانهای

و سرمایه های سرمایه داران نشان

داده است. مدتها جناحهای اصلی

هیئت حاکمه یعنی لیسرا لیسرا و

سرمداران حزب جمهوری اسلامی در برابر

اقدامات و ابتکارهای انقلابی توده ها

در زمینه مصادره انقلابی ایستادند و

حتی به سرکوب قهرآمیز توده ها متوسل

شدند، اما این سیاست علیرغم تمام

فشارها نتوانست بطور کلی اقدامات

و ابتکارهای انقلابی توده ها را درهم

شکند. بنا بر این اکنون مدتی است که

شیوه های دیگر متوسل شده اند و فتوای

پی در پی در این مورد صادر می شود.

فتوای که در حقیقت در جهت تأیید و

مناقض سرمایه داران و زمینداران است.

چندی پیش آیت الله ربانی شیرازی

صریحا از زمینداران بزرگ در برابر

دهقانان دفاع کرد، و اقدامات

انقلابی دهقانان را برخلاف موازین

اسلامی اعلام کرد. پس از آن آیت الله

منتظری نیز فتوای خود را در این زمینه

صادر کرد و اکنون آیت الله خمینی از

"غصب" و "مصادره" سخن بمیان

می آورد و علیه غاصبین و مصادره کنندگان

فتوی می دهد. گرچه این مسئله برای ما

روشن است که روی سخن آیت الله خمینی

با کدام اقسام و طبقات جامعه است. اما

ایشان باید منظور خود را از این عبارات

برای توده های زحمتکش میهن ما

بویژه کارگران و دهقانان روشن کنند

و با این سئوالات پاسخ دهند که:

آیا سرمایه داری که سرمایه ها و

چیزی جز شمره و استثمای روغارت کارگران

نیست و در حقیقت سرمایه ها و آن بخش از

مزدکارگران است که به آنها پرداخت نشده

و بمرور در دست سرمایه داران انباشته شده

است، غاصب است، یا نه؟ و اگر

غاصب است، آیا کارگران حق دارند

سرمایه سرمایه داران را مصادره کنند؟

فدائیان خلق میگویند: "غاصب"

سرمایه داران اند، که شمره کار

کارگران را بحیث زده اند، این حق

مسلم کارگران است که سرمایه، سرمایه

داران را مصادره کنند؟

محافل امپریالیستی...

بقیه از صفحه ۱۶

طبقه کارگر و کلیه خلقهای ایران

در جهت رهایی از سلطه امپریالیسم و

بورژوازی وابسته و مغایر با منافع

و مصالح جنبش ضد امپریالیستی -

دمکراتیک خلقهای ایران است. ما

وظیفه خود میدانیم ضمن دفاع از حقوق

برحق و اهداف انقلابی جنبش دمکراتیک

خلق کرد، تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم

را خنثی کرده و افشا نمائیم.

در رابطه با این توطئه گری های

محافل امپریالیستی دفتر ما مستقا

(سید عزالدین حسینی) نیز با انتشار

اطلاعیهای شایعات مذکور را تکذیب

نموده است و بلحاظ اهمیت انعکاس

تکذیب این خبر صدای آمریکا، ما این

اطلاعیه را در ارگان سازمان چاپ

میکنیم.

ضمنا حزب دمکرات کردستان ایران

نیز در برنا مه را دیوئی روز ۱۲/۱۰/۵۹

خود این شایعات را تکذیب نمود.

هم میهنان مبارز!

اکنون در شرایطی که رژیم جمهوری

اسلامی دست به شدیدترین فشار روست

کوب علیه خلق قهرمان کرد زده است

(کشتار زحمتکش کرد، محاصره شدید

اقتصادی و...) محافل امپریالیستی

تلاش دارند، از این فرصت سودجسته و

اهداف انقلابی و دمکراتیک خلق کرد

را لوٹ نمایند.

تردید نیست که هشیاری و آگاهی

خلق این توطئه ها را نیز خنثی

خواهد کرد.

مبارزه انقلابی، توده ها در همین اعمال،

اتوریت توده ای نهفته است، در این

امر نهفته است که آنها با زور قدرت خود

را علیه سرمایه داران و زمینداران

اعمال می کنند و هیچگونه قانون و

مقررات محدود کننده ای را اعمال نمی

و شرعی برسمیت نمی شناسند و دقیقاً

آن چیزی که یک فرد انقلابی را از

دیگران متمایز می سازد، برسمیت

شناختن و تأیید این اتوریته توده

توده ای است.

آیا زمینداران بزرگی که سالها بر دهقانان و زحمتکش روستا ستم و استثمای رود داشته، زمینهای آنها را در طی سالهای سال غصب کرده اند، و تنها با اتکاء کار زحمت و تلاش دهقانان اکنون زمیندار بزرگ هستید، غاصب اند یا نه؟ آیا دهقانان حق دارند، این زمینها را مصادره کنند و مالکین را سرکوب کنند؟

فدائیان خلق پاسخ می دهند آری! غاصب و دزد زمینداران بزرگ اند، دهقانان حق دارند، زمینها را مصادره کنند. کسانی که مانع مصادره های انقلابی از سوی کارگران و دهقانان می شوند، ضدانقلابی اند.

آیا زحمتکش و توده های فقیر شهری مجازند که خانه ها، آپارتمانها و ویلاهای سرمایه داران را مصادره کنند و در آنها اسکان گزینند؟

ما پاسخ میدهیم آری! باید آنها توسط توده های زحمتکش مصادره شوند، زیرا که معلق بخود آنها هستند. ما میگوئیم سرمایه داران شمره کار کارگران را دزدیده اند، غصب کرده اند و بحیث زده اند. بنا بر این این خانه ها و آپارتمانهای سرمایه داران در اساس متعلق بخود کارگران و زحمتکش است.

آیا توده های زحمتکش مجازند، در شرایط کمبود کالاها و ما بحیث نیاز زندگی زحمتکش، علیه تجار و کارگران کلفت با زار که دست به احتکار میزنند، خون زحمتکش را می مکند و ما بحیث عامی را به قیمت بسیار گزاف می فروشند، دست به عمل زده، در بارهای آنها را بکشایند، کالاهای آنها را مصادره کرده و بین زحمتکش توزیع کنند؟

ما میگوئیم: آری! اما این تجار ثروتمند که امروز جمهوری اسلامی بهشت موعود آنها شده است، اکنون مردم را می مکند، دست به احتکار میزنند و تمام اقدامات آنها علیه خلق است، آنها غاصب، دزد و بی شرفند، توده های زحمتکش مجازند اموال آنها را مصادره کنند.

ما میگوئیم در تمام موارد با لانه آنها توده ها مجازند و حق دارند، دست به مصادره بزنند بلکه دقیقاً خصوصیت

محافل امپریالیستی با شایعه پراکنی و دروغ پردازی علیه جنبش مقاومت خلق کرد توطئه می کنند

اخیرا رادیوهای آمریکا، اسرائیل و بخش های کردی و عربی رادیو عراق شایع کرده اند که از روز ۲۲ بهمن (یعنی سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان توسط شهید قاضی محمد در سال ۱۳۲۴) - گروههای سیاسی در کردستان اعلام خودمختاری خواهند نمود. هدف از این شایعات محافل امپریالیستی و رژیمهای وابسته به امپریالیسم است که در جنبش صدا میریالیستی - دمکراتیک خلقهای سراسر ایران خرابکاری کرده و جنبش مقاومت خلق کرد را از جنبش سراسری خلقهای ایران جدا نمایند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با تائید بر رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای خلق کردها و همه خلقهای تحت استم ایران اعلام میدارد: هرگونه تلاشی در جهت جدا کردن مبارزه خلق کرد از مبارزه سراسری خلقهای ایران، مغایرتا مین وحدت مبارزاتی بقیه در صفحه ۱۵

اطلاعیه: دفتر سید عزالدین حسینی درباره "تکذیب خیر" رادیو صدای آمریکا

رادیوی امپریالیستی "صدای آمریکا" در سیرنامه خیری چهارشنبه شب و با مدار روز پنجشنبه ۵۹/۱۰/۱۱ خود خیری باین مضمون بخش کرد: "... رهبران کردستان در نظر دارند که در ۲۲ آبان (۲ بهمن) اعلام خودمختاری بکنند و...".
شیخ عزالدین حسینی... اعلام داشته است که ارتش رها شیبش ایران که از افسران فراری وابسته به رژیم سابق تشکیل شده است با ما همکاری میکنند...
دفتر سید عزالدین حسینی لازم میدانم موارد ذیل را در این رابطه با اطلاع هم میهنان مبارز و خلق رزمنده کرد بپرسا ند:

- ۱- موضوع مربوط به ارتش با صلاح رها شیبش ایران و افسران فراری کذب معض بوده و ما موستا و یا نزدیکان اینها هیچگاه چنین مطالبی اظهار نداشته اند.
- ۲- مطالب خیر فوق عمدا طوری بیان شدند که چنان برداشت شود که گویا ما موستا شیخ عزالدین هم در مساله شایعه اعلام خودمختاری در ۲ بهمن نظر و دخالتی ندارند. بدین وسیله اعلام میداریم که ما موستا با موضوع اعلام صلاح چنین خودمختاری ای که از سروزها از طرف محافل و رادیوهای ارتجاعی و امپریالیستی شایع شده است هیچگونه ارتباطی ندارند.
- ۳- خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران که ما هیت سیاستهای امپریالیسم و عنا صر فراری و خود فروخته را خوبی میشناسند مسلما میدانند که این خیر در خدمت چه سیاستهایی است و رادیوهای ارتجاعی و "رادیو صدای آمریکا" با بخش این اکاذیب سعی در مخدوش کردن آذهان عمومی نسبت به مبارزه عادلانه خلق کرد دارند.

دفتر سید عزالدین حسینی ۵۹/۱۰/۱۲

رژیم جمهوری اسلامی ۱۶ میلیون تومان برای تجهیز و تزئین دفتر ریاست جمهوری اختصاص می دهد، در حالیکه:

میلیونها نفر از توده های زحمتکش ایران در زاغه ها و کودها و بیعواها زندگی میکنند و در کناری بیاده روها و معا بر عمومی از گرسنگی و سرما جان می دهند، بیکاری و کمرانی و فقر رندگی کارگران راه نیستی کشانده است، صدها هزار کودک مدرسه ندارند و هر روز صدها نفر از زحمتکشان در پشت درهای بسته بیمارستان ها جان میسپارند، این جنگ خانما نسوز هستی میلیونها جنگ زده راه تباهی کشانده است و...
۱۶ میلیون تومان هزینه تجهیزات و تزئینات دفتر ریاست جمهوری مساوی است با حقوق یکماهه ۸۰۰۰ کارگر، مساوی است با هزینه ساختن ۱۶ دبستان و دبیرستان مجهز به شوقا ژو کولریا ۴۰۰ متر مربع زیر بنا، مساوی است با ۱۷۰ خانه ۶۰ متری ارزان قیمت برای زحمتکشان، مساوی است با یک بیمارستان ۱۰۶ تختخوابی با تجهیزات کامل و اناق عمل، مساوی است با... مسواوی است با...
حوزه کار محلی - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بسم تعالی
شورای عالی
جمهوری اسلامی ایران
وزیرخانه

لاایحه قانونی الحاقی، به لایحه قانونی تاسیس دفتر رئیس جمهوری اسلامی ایران

ماده واحده: چون بموجب شماره ۲ لایحه قانونی تاسیس دفتر رئیس جمهوری اسلامی ایران مصوب ۵۸/۱۱/۱۳ با نگاه افسران برای تاسیس دفتر رئیس جمهوری اختصاص داده شده منظور تکمیل کارهای ساختمانی و مربوطه (شامل تخریب بازاری و نوسازی) و تاسیسات گرمایش و سرمایش و ایمنی و حفاظتی و تجهیزات و دکوراسیون و غیره... وزیر مکن و شهرسازی اجازه داده میشود که از نظر سرعت بخشیدن و هماهنگ بودن مسائل طرحی و اجرایی و استخدام کادرفنی و متخصصین منظور مساسات اجرا و نظارت، پروژه مذکور را با اعتباری معادل ۱۶۰ میلیون ریال خارج از چهارچوب مقررات و تشریفات قانونی محاسبات عمومی، برنامهبندی و مواظبت آئیننامه معاملات دولتی و شماره ماده ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ کل کشور و بهر نحو که مقتضی بداند با انجام بپرساند.
تیمبر ۱- سازمان برنامه و بودجه اعتبار مذکور از محل اعتبارات طرحهای عمرانی ساد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تاسیس و در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهد داد.
تیمبر ۲- در مورد سایر مواردی که در فوق بان اشاره نشده وزیر مکن و شهرسازی مجاز میباشد اتخاذ تصمیم نموده اقدامات مقتضی بعمی آورد. /و

سید ابوالحسن بنی صدر
رئیس جمهوری اسلامی ایران

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر